

روز جهانی کارگر، روز اعلام تنفر از نظام سرمایه داری!

سلام زیجی

بخش اعظم تحولات جهان امروز و افسارگسیختگی نظامهای سرمایه داری بیش از پیش علیه امنیت، رفاه و آزادی شهروندان و طبقه کارگر و آرمانهای والای انسانی عمل میکند. روند تحولات منطقه و ایران نیز به مراتب برای بشریت و طبقه کارگر درد آورتر شده است. جنگ و جنایت و آدمکشی های گسترده و تحمیل ویرانگی و جنگ و سناریو سیاه حاکم در سوریه و عراق و یمن و غیره، میداناری و عروج نیروی ارتجاعی مشابه جمهوری اسلامی ایران، داعش، در منطقه که به مستمسکی برای حضور و جنگ قدرتهای بزرگ جهانی و تخریب جامعه تبدیل شده است، در کنار هیاهوی تبلیغاتی و بده و بستان های پسا برجام و کشمکش جناحهای رژیم سر این توافق دشمنان بشریت و طبقه کارگر و سرانجام با تحمیل حداقل دستمزد بردگی مجدد به طبقه کارگر ایران از جانب طبقه بورژوا اسلامی حاکم بر ایران و ... ، همه در بهم زدن تعادل سیاسی و طبقاتی و مبارزه سیاسی و اجتماعی توده مردم و کارگران نقش مخرب ایفا می کند و توانسته تناسب قوای منطقه ای و همچنین در ایران نیز به شدت به ضرر طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی تغییر پیدا بکند.

اینها قطعاً هر کدام به نوعی بر مبارزه جنبش ما در ایران و تحرک و صف بندیهای کارگری در تدارک اول ماه مه نیز مستقیماً تاثیر گذار هستند. به ویژه وقتی طبقه ما در ایران از حق تشکل یابی مستقل همواره محروم بوده و

صفحه 2

گفتگوی سوسالیسم امروز در مورد تفاوتها ما، با رحمت فاطمی و سلام زیجی!

صفحه ۱۷-۲۷

فراخوان مشترک 68 نفر از فعالین سیاسی کمونیست و کارگری برای تشکیل حزب کمونیستی و انقلابی در ایران!

صفحه ۷

نکاتی در ملزومات برپایی یک حزب کمونیستی و کارگری جدید!

صفحه ۶

کامران پایدار

خصوصیات این حزب جدید چه باید باشد؟

صفحه ۹

رنوف افسانی

نمایش انتخابات ریاست جمهوری در ایران را به میدان مبارزه علیه این رژیم تبدیل کنیم!

صفحه ۱۰

عزیز آجیکند

ایجاد و اعلام حزب کمونیستی جدید، جوابگوی کدام نیازها؟

صفحه ۱۱

بابک باجلانی

ضرورت تشکیل حزبی مدرن، چپ و انقلابی

صفحه ۱۳

لقمان مهری

سوسیالیسم تنها راه نجات بشر، در این راه با ما باشید

صفحه ۱۴

عزیز آجیکند

کارگران و کودکان کوره پز خانه ها، بی حقوق ترین بخش طبقه کارگر

صفحه ۱۵

سلام زیجی

اشعاری از رفقا پروین دنیا و عزیز آجیکند

صفحه ۱۶

کارگران جهان متحد شوید!



روز جهانی کارگر، روز اعلام تتفر از ...

نابرابر کنونی ممکن کنیم. عدم پرداخت دستمزد کار انجام شده کارگر، تحمیل فقرگسترده، بیکارسازی وسیع و عدم برخورداری از بیمه بیکاری، همزمان با اخراج های هر روزه هدف دولت و کارفرما را در جهت گسترش شکاف و تفرقه در صفوف کارگران و تحمیل موقعیت به مراتب ضعیف تر به آن طبقه را تامین میکند. در چنین تناسب قوای نابرابری است که شرایط و سطح دستمزدهای مورد نظر دولت و کارفرما به شکل کاملاً غیر انسانی نیز مجال تحقق پیدا خواهد کرد.

تغییر تناسب قوای کنونی ممکن است!

اما با وجود این موقعیت بسیار دشوار، طبقه کارگر ایران و رهبران پیشرو و سوسیالیست آن از پتانسل بالائی برخوردار هستند. اگر متحدانه به میدان بیایند، میتوانند یورش گسترده سرمایه داران را عقب برانند و حق خود را از خُلقوم دولت و سرمایه داران زالو صف بیرون بکشند. به ویژه در روز جهانی کارگر از کانال پیکت و اعتصاب و اعتراض در مراکز کار و میادین شهرها بسیار ضروری است در جدال امروز بر سر افزایش دستمزد و لغو تصمیم

یک نظام "متعارف" بورژوازی نیز ندادن دستمزد جرم محسوب شده و قابل پیگرد قانونی میباشد. اما در جمهوری اسلامی و مناسبات وحشیانه ای که بورژوازی ایران چند دهه است به جامعه و کارگر اعمال میکند، سرمایه دار پس از ارتکاب چنین جنایت بزرگی بدون مشکل جدی به فعالیت اقتصادی خود ادامه داده و از آن عبور میکند. این جنایت به یک امر روتین و نرم عادی تبدیل شده است! این راهزنی و دزدی آشکار است که هیچ قانون و پلیس و دادگاهی هم در مقابل کارگران پاسخگو نیست و کسی ککش نمی گزد. این دزدی و قلدری اشکارا ثروت های افسانه ای برای یک مشت اوباش به ارمغان آورده و در مقابل زندگی میلیونها کارگر و خانواده کارگری تباہ شده است.

در موارد زیادی حتی ما شاهد دستمزدهای معوقه بیش از دو سال هستیم. کارگری که هنوز دستمزد معوقه از ۲ تا ۳۰ ماه گذشته خود را نگرفته باشد، فاقد تشکل کارگری و نمایندگان منتخب خودنیز باشد، و تهدید و اخراج هم هر لحظه بالای سرش قرار بگیرد، فاقد بیمه بیکاری نیز باشد و کلاً به موقعیت فقر شدید و فرودستی رانده شده باشد، قطعاً از توان کافی در نبرد طبقاتی و گسترش اعتراض برخوردار نخواهد بود. تنها با اتحاد و عمل گسترده و رهبری موثر سوسیالیستی است که می توان امید و قدرت واقعی جنبشمان را در این شرایط در جهت پس زدن این اوضاع و تغییر تناسب قوای

کند. اعتصابات و اعتراضات پی در پی کارگری در مراکز و شهرهای مختلف از جمله برای افزایش دستمزدها و گرفتن دستمزدهای معوقه و در صورتی که حول مطالبات واحد و سراسری متحدانه به میدان بیاییم و اعتراضات پراکنده کنونی به اعتراض و اعتصاب سراسری و بزرگ در چند شهر و مرکز بزرگ کارگری تبدیل کنیم بنظر من میتوانیم ورق را برگردانیم.

این روز و پروسه اول مه را به روز و پروسه اعتراض به دولت شاید روحانی و کلیت نظام جنایتکار و ضد کارگری جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. ایفا نقش رهبری کننده فعالین کمونیست و پیشرو کارگری حلقه کلیدی در تامین این تحرک و اتحاد طبقاتی کارگران ایران در روز جهانی طبقه کارگر است.

تحمیل بردگی مزدی کامل و به گرو گرفتن قلدرانه نیروی کار، کار بدون مزد و ارزان دهها میلیون کارگر و خانواده کارگری است که به افزایش فقر و بیکاری و مرگ تدریجی و فروش کلیه و تن فروشی صدها هزار کارگر و افزایش گسترده جمعیت کودکان کار و خیابانی منجر شده است، این واقعیت تلخ و درد آوری است که اکنون سرمایه داران ایران به طبقه ی ما تحمیل کرده اند.

نپرداختن دستمزد کارگر جنایت است

توجه داشته باشید که حتی در

از آن منع شده است، و همچنین با تحمیل "حداقل دستمزد" که امسال نیز چهار برابر کمتر از میزان خط فقر اعلام شده است، و بخش وسیعی از طبقه کارگر را تحت فشار قرار داده و موج بیکاری و فقر را به مراتب گسترده تر کرده است. تداوم فشار و بازداشت کارگران، بطوری که همین امروز فعالین کارگری در زندانها بسر می برند، حتماً به عنوان فاکتورها و عوامل های بازدارنده ای در مقابل فعالین کارگری و جنبش ما برای متحد کردن صفوف خود و تدارک اول مه باشکوه در این مقطع نقش منفی خواهد داشت.

زمینه های اتحاد و اعتراض

اما به دلیل وجود اعتراض به وضع موجود و به دلیل یورش گسترده اقتصادی دولت به زندگی کارگران همزمان موج اعتراض به این یورش به سفره بی رمق طبقه کارگر منجر به تحرک زیادی در میان کارگران شده و امیدهای و زمینه های برای سازماندگی اعتراض هدفمند و موثرتر فراهم کرده است.

پتانسیل عظیمی همواره در جنبش کارگری و بویژه بخش پیشرو و سوسیالیست آن وجود دارد که میتواند در این دوره نیز عرض اندام

فراخوان مشترک 68 نفر از فعالین سیاسی کمونیست و کارگری برای تشکیل حزب کمونیستی و انقلابی در ایران!

جمهوری اسلامی به عنوان رژیم‌ای که با جنایات بی‌شمار و سرکوب خونین بر بستر ناآمادگی انقلابیون و جنبش سوسیالیستی، کارگری و نبود حزب کمونیستی طبقه کارگر شکل گرفت، توانست با توهم پراکنی "اتحاد همه باهم" و با شعار مرگ بر "شیطان بزرگ" و ... گرد آوردن نیروهای ارتجاعی ملی، اسلامی و بخشهایی از گروههای چپ و فرقه‌های کمونیسم خلقی و خرده بورژوایی به کمپ خود تحت لوای مبارزه با امپریالیسم آن انقلاب را با شکست روبرو و با کمک و همراهی کشورهای غربی زمام قدرت را به دست بگیرند.

حکومت سرمایه داری اسلامی از سال 1357 تا کنون با سرکوب بی وقفه و با شلاق و زندان و سنگسار و اعدام و با تحمیل مرگ تدریجی به میلیونها خانواده کارگری، با اسید پاشی، با ترور مخالفین سیاسی در داخل و خارج کشور، با کشتارهای دسته جمعی در دهه شصت و با ارتکاب بزرگترین و فجیعترین جنایت ضد بشری در تاریخ ایران و جهان، و در پی خلا آلترناتیو انقلابی، و نبود تحزب و تشکل در میان طبقه کارگر و توده‌های آزادیخواه که متکی به آرمان و سیاستهای سوسیالیستی و رزمنده باشد، توانسته عمر ننگین خود را ادامه دهد.

این چنین رژیم‌ای نمی توانست تا امروز در قدرت باقی بماند، اگر مبارزه پیگیر و ملیتانت سازماندهی میشد و حزبی

کمونیستی، جدی، توده ای و انقلابی در جامعه و در عرصه سیاست ایران وجود میداشت، در توضیح این تاریخ اشاره صرف به واقعیت سرکوب و استبداد این رژیم ناکافی و تنها بخشی از حقایق موجود خواهد بود، در کنار همراهی نیروهای مذهبی و ملی با رژیم اسلامی در آن دوره، اپوزیسیون چپ و کمونیست نیز در سطوح مختلف کم کاری کرده و یا مرتکب اشتباه شده و بجز در موارد محدود اکثر نیروها نقش پیشرو کمونیستی، کارگری و انقلابی خود را ایفا نکردند.

ما به مثابه طبقه کارگر، جنبش آزادی زن، جوانان انقلابی و جنبش سوسیالیستی و کمونیستی، مسئول و موظف هستیم نظام سرمایه داری حاکم و قوانین ضد بشری آن را که بوی تعفن مذهبی و نژاد پرستی دارد به زباله دان تاریخ بسپاریم و اتحاد جامعه را به یک جامعه آزاد و برابر، مرفه و خوشبخت نائل گردانیم. این امر خطیر نیازمند پایان دادن به سیاستها و سنت های مبارزاتی رایج و ناظر بر اپوزیسیون چپ، عبور از سیاست انتظار و تسریع در روند سرنگونی انقلابی رژیم است. جنبش ما نیازمند نقد پیگیر سیاستهای پوپولیستی چپ، و فراخوان جامعه به اتحاد و تشکل، توسل به قهر انقلابی و بازگشت به کمونیسم انقلابی مارکس، و سازماندهی پراتیک انقلابی و کارگری است. به میدان آمدن حزب سوسیالیستی طبقه کارگر که در جدال طبقاتی، دخیل بوده و بر تقویت و گسترش مبارزات متشکل کارگران و زنان و جوانان در ایران و منطقه تمرکز داشته

باشد، نیاز واقعی جنبش ماست. پایان دادن به عمر ننگین چنین رژیم‌ای و طبقه حاکمه با "حزب تبلیغ"، "حزب حقوق بشری"، "حزب معلم"، "حزب زنده باد مردم"، "حزب انقلاب انسانی"، "حزب دنباله رو و پوپولیست، و با احزاب صرفاً خارج کشوری، و یا امید بستن به کشمکش درونی رژیم و با پرچم ملی و ناسیونالیستی ممکن نخواهد شد. حزب ما باید حزبی باشد که علیه این سیاستها خود را تعریف می کند و تسلیم وضع موجود نباشد و برای تغییر وضع موجود و کسب قدرت سیاسی، ملیتانت و ماکسیمالیست عمل کند. ما برای پر کردن این خلا واقعی فراخوان ایجاد یک حزب سیاسی و سوسیالیستی و انقلابی را به همه کارگران و آزادیخواهان اعلام می کنیم. ما معتقد هستیم که این رژیم را باید با قهر انقلابی به زیر کشید، پاسخ دادن به این ضرورت تاریخی مستلزم تشکیل چنین حزب سیاسی، سوسیالیستی، کارگری و ملیتانت است که ما در صدد ایجاد آن هستیم.

جامعه ایران، طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی به حزب سیاسی رادیکال و انقلابی، به "حزب رهبر و سازمانده" و به حزب دخیل در مبارزه سیاسی، طبقاتی، به حزب آماده برای دست بردن به ابزارهای قدرت و تاکتیکهای مبارزاتی گوناگون از جمله اعتصاب و اعتراض توده ای و آکسیون و سازماندهی میلیس توده ای و ... نیاز دارد. به حزب و رهبرانی که در دسترس و در ارتباط تنگاتنگ با جامعه هستند، به حزبی

کمونیستی، روشن و ملیتانت و فعال در بطن مبارزات کارگری و حاضر در جنبشهای اعتراضی جامعه که به جای تئوری باقیهای وارونه و "تحلیل" و "آه و ناله" و ارجاع انقلاب به پیچ بعدی و انشالا "گرچه شیر خواهد شد"، عملاً برای پایان دادن به این وضعیت نابسامان و آشفته در میدان نبرد حاضر باشد.

این حزب، حزبی خواهد بود که بدون تردید به منظور کسب پیروزی و دفاع از دستاوردهای مبارزاتی و سیاسی و دفاع از امنیت جامعه و سرنگونی کلیت رژیم آماده میشود و برای کوتاه کردن دست همه گانگسترهای مسلح و ضد مردمی باقی مانده، چه در پروسه سرنگونی رژیم و چه در صورت احتمال وقوع سناریوی سیاه، جامعه و حزب را برای مقابله با این مخاطرات و دفاع از مدنیت جامعه آماده میکند و جوانان و مردم آزادیخواه را در این راستا بطور سازمانیافته به میدان می آورد. در روند مبارزه برای سرنگونی رژیم و مقابله با نیروهای سناریو سیاهی سازماندهی مقاومت مسلحانه حق مشروع و ضروری جنبش و حزب طبقه کارگر است.

این حزب برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار نظام سیاسی متکی به شوراها کارگری - توده ای و سوسیالیستی و لغو مالکیت خصوصی و بردگی مزدی در ایران مبارزه میکند. این حزب، حزب طبقه کارگر و رهبران سوسیالیست آن طبقه و

روز جهانی کارگر، روز اعلام تفر...!

تهیدست است.

اخراج و بیکاری

مسئله بیکاری پدیده مهمی در جامعه است. به ویژه وقتی از بیمه بیکاری و اجتماعی و امنیت اقتصادی افراد خبری نباشد فاجعه آمیز است. مبارزه با بیکاری یک رکن مهم مبارزه طبقه ما است. ادعای کارگران علیه بیکاری در اول مه امسال در ایران و جهان بدوا علیه خود اهرمی در دست بورژوازی برای ایجاد تفرقه میان کارگران و تنزل سطح معیشت و دستمزد آنهاست. در عین حال بیکاری حاصل تناقضات فزاینده نظام سرمایه داری نیز هست که در صورت منسجم بودن سازمانهای کارگری میتواند سلطه بورژوازی را هم به خطر بیندازد. منشا اجتماعی اکثر اعتراضات توده ای، در کنار دیگر تناقضات سرمایه داری، همین بیکاری وسیع از جمله در میان جوانان بوده است. وقتی انسان برای سود آوری سرمایه داری فاقد حرمت و ارزش انسانی است، هنگام بحران اقتصادی و "خوابیدن کارخانه ها"، که خود این نظام طبقاتی مسبب چنین شرایطی است، اولین راه حل اخراج و بیکارسازی ها و گرفتن نان سفره بی رمق کارگران است.

راه حل و جواب ما به اینها فقط مبارزه و انقلاب کارگری و سرنگونی این مناسبات ضد انسانی است. ما اتحاد کارگران شاغل و بیکار برای برآوردن این جنبش "علیه بیکاری"

جنایتکارانه ویی اعتبار شورای عالی کار و دولت ضد کارگری حول "حداقل دستمزد" امسال را متحدانه طرح کنیم، پرچم مطالبه پرداخت فوری دستمزدهای معوقه را در کنار مطالبه حق اعتصاب و ایجاد تشکل های کارگری، بیمه بیکاری برای همه افراد بیکار، توقف اخراجها، آزادی فعالین کارگری زندانی و تحقق مزد برابر زن و مرد در ازای کار مشابه را در مقابل دولت و کارفرما به پرچم مطالبات متحدانه کل طبقه کارگر تبدیل کرد.

جمهوری اسلامی از مجرای سرکوب قهر آمیز و به گرو گرفتن حق تشکل و آزادی عمل و نان سفره بی رونق طبقه کارگر و عدم حضور یک مبارزه سازمان یافته متقابل و سراسری توانسته بقای ننگین خود را حفظ کند و زمینه برای یورش خود به کل جامعه را نیز فراهم نماید. تحریم باشد یا نباشد این واقعیت مناسبات سرمایه داری و سیاست آن در قبال کارگر است. برای بقای خود و برای سود آوری و گسترش و تقویت مناسبات ظالمانه سرمایه داری در ایران هیچ راهی جز تداوم سرکوب و تحمیل نیروی کار ارزان و دادن پائین ترین سطح دستمزد به طبقه کارگر ندارد! کودکان کار و خیابانی و تن فروشی و بیکاری و اعتیاد و غیره همه از مفروضات و نیازمندیهای بقای حاکمیت و تداوم سرمایه در ایران و محصول این جنایت علیه کارگران و مردم

و طرح خواست کار یا بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران و تلاش برای تحمیل این خواست بدیهی بر رژیم و سرمایه داران به نیروی مبارزه متحدانه کارگران و نسل جوان فرامیخوانم، و باید قاعدتا این مطالبات یکی از مطالبات محوری و متحد کننده کارگران در اول مه باشد.

گرایشات بازدارنده و ضد کارگری

در کنار نقش مخرب و ضد کارگری و شناخته شده جمهوری اسلامی و تحمیل فضای اختناق و سرکوب به عنوان یک مانع اصلی بر سر راه طبقه کارگر از جمله در تدارک روز جهانی خود، عامل مخرب دیگری هم بر این تشتت و پراکندگی طبقاتی و رژه و قدرت نمایی طبقاتی کارگری نقش منفی داشته و دارد، آنهم نقش گرایشات غیر کارگری درون طبقه کارگر از جمله گرایشات سکتاریستی و فرقه ای و سندیکالیستی و راست است.

جمهوری اسلامی در کنار سیاست سرکوب و اختناق، تشکلهایی را جهت کنترل و پابین نگاه داشتن توقعات طبقه کارگر ایجاد کرده است. شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر و انجمن های صنفی بعنوان بازوی "کارگری" رژیم جهت کنترل و مقابله با اعتراضات و تحرکات مستقل طبقه کارگر ایجاد شده و تاکنون نقش مهمی در ایجاد فضای سرکوب و اختناق و همچنین کنترل فضای مبارزاتی و شناسایی فعالین کارگری جهت سرکوب و دستگیری داشته اند.

نقش گرایشات بازدارنده درون جنبش کارگری، از نوع

گرایشات سندیکالیستی، سنتهای توده ایستی و گرایش کارگر گرائی که بطور مدام مشغول تبلیغ تحزب گریزی هستند، و کارگران را به مقررات و این و آن ماده از قانون ضد کارگری رژیم متوهم نگه میدارند. این وضعیت در کنار گرایشات سکتاریستی و فرقه ای دست به دست هم داده و موجبات پراکندگی طبقه کارگر در نبرد طبقاتی واحد خود و همچنین در جریان برگزاری مراسمهای اول ماه مه سال بوده اند. کمونیستها و رهبران پیشرو کارگری باید طبقه را از این موانع و گرایشات عبور دهند و آنها را رهبری، هدایت و متحد و آگاه به منافع طبقاتی خود کنند. تنها راه حل موثر و ممکن همین است!

اول ماه مه روز جهانی کارگر است!

این روز را باید به سبب همبستگی طبقاتی تبدیل کرد! این روز را باید به روز اعلام کیفرخواست طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری تبدیل کرد! استقبال از روز جهانی کارگر باید فارغ از فرقه گرایی و گرایشات بازدارنده و تحزب گریز انجام گیرد. در این روز باید کار را تعطیل کرد. در میادین اصلی شهرها تجمع طبقاتی برگزار کرد. در تجمعات اول ماه مه قطعنامه ای حاوی مطالبات طبقه کارگر را تهیه و به تصویب تجمعات اول مه رساند. مسئله عدم پذیرش حداقل دستمزد تعیین شده توسط شورای عالی کار جمهوری اسلامی، بیمه بیکاری، بیمه های اجتماعی و تعیین حداقل دستمزد تعیین شده توسط نمایندگان منتخب کارگران، پس گرفتن دستمزد

فراخوان مشترک 68 نفر...!

و حزب رهائی زن از کلیه نابرابریها و نابودی آپارتاید جنسی است. حزب نسل جوان و آرمانهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی آنان، و حزب پایان دادن به رفع ستم ملی و هر شکلی از اعمال ستم و نابرابری بر جامعه است.

حزبی که ایجاد میشود از نظر سازمانی و مناسبات درونی با چپ موجود تماما متفاوت خواهد بود. ضمن اینکه بر مصوبات و تصمیمات جمعی و ارگانهای منتخب متکی و حول آن متحد است و باید یک حزب کاملا منضبط و مستحکم و جدی باشد، اما همزمان باید در کلیه سطوح حزب آزادی بی قید و شرط بیان و نقد را تضمین و نهادینه کند. ایجاد فشار و فضای سرکوب به هر شکلی علیه منتقدین و اقلیت در حزب جرم محسوب میگردد.

ما امضا کنندگان زیر، مبارزین راه آزادی و برابری، کارگران، زنان و مردان و جوانان رزمنده و سوسیالیست و همه کمونیستها، گروهها و نیروهای آزادیخواه و سرنگونی طلب را به همراهی و حمایت از این حرکت فرا می خوانیم. مرگ بر جمهوری اسلامی ایران!

زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

امضا کنندگان:

- 1- ابراهیم الف (اصغر نیا)
- 2- ابراهیم باتمانی
- 3- احمد سلطانی
- 4- ادیب پوردیبا
- 5- آذر کیمیا

- 6- اردشیر اصفهانی
- 7- آرینا شیردل
- 8- اقبال کاکاون
- 9- امید نسیمی
- 10- بابک باجلانی
- 11- بهروز آزادپور
- 12- پروین حسن پزوه
- 13- جلال محمدی
- 14- حسن بقائیان
- 15- دانیال عبادی
- 16- رحمت فاتحی
- 17- رُزا کریمی
- 18- رُزا ناصری
- 19- رزگار هاتقیان
- 20- رضا دانش
- 21- رضا ساعی
- 22- رضا شتابی کیا
- 23- روزبه همه وندی
- 24- ریبوار تبریزی
- 25- رئوف افسائی
- 26- ژوبین مردوخی
- 27- ژیار سلیمانی

- 28- ژیان بهارلو
- 29- ساغر رهام زند
- 30- سلام زیجی
- 31- شاهین ابراهیمی
- 32- شاهین معماریان
- 33- صحرا صالحی
- 34- شیرین اعتماد
- 35- عباس خسروی
- 36- عزیز آحیکند(ناله کی)
- 37- عزیز عبدالله پور
- 38- فخره صادقی
- 39- فرشته بهاری
- 40- فرهاد امیری
- 41- کارو افشانی
- 42- کارو جفا دیده
- 43- کاوه شاهین پور
- 44- کیوان مهرآوه
- 45- لقمان مهری
- 46- مژگان آزاد منش
- 47- مهرداد مرادی
- 48- مهین لُرستانی
- 49- میلاد ابراهیمی
- 50- نازنین زندنیا
- 51- نسرین محمودی آذر
- 52- نیما ارژنگ
- 53- نینا نامی
- 54- هاوری شاهو

- 55- هشام سامی حمید
- 56- هلن نامی
- 57- هما کرامتی
- 58- ونوس محمدی
- 59- کیوان پیشبین
- 60- خالد هاشمی
- 61- عمر بوکانی
- 62- کامران پایدار
- 63- لیلا احمد
- 64- کیوان پیشتین
- 65- خالد هاشمی
- 66- ارزو صادقی
- 67- زاکروس ابراهیمی
- 68- هاوار کاروان

ادامه دارد...

نکاتی در ملزومات برپایی یک حزب...!

موسوی ها هم نداشت. حزب کمپینها و مجاهدت های حقوق بشری که البته تازگیها برخی از بانیان اکس مسلم و تلاشهای حقوق بشری خسته شده اند، لنگر انداخته و کناره گرفته اند! (استعفای مریم نمازی و فریبرز پویا)، حزب اعتراض عریان با ضمیمه آرم خرچنگ نشان جمهوری اسلامی، حزب ضد رژیمی که حاضر است برای اجتماعی شدن با هر بوزینه ای همراه شود، البته به شرط مخالفت با جمهوری اسلا می، حزبی که فرصتها را غنیمت میداند حتی اگر در سوریه و موصل و تهران بر سر کارگران گرسنه و بیمار و بی دفاع انواع موشکهای کروز و بمبهای ناپالم حقوق بشری فرور بریزد. همان حقوق بشری که تریبونهای قلم به مزد و کثیفی چون بی بی سی و وی یو ای و... شبانه روزی برایش رجز می خوانند و...

رفقا متاسفانه همه اینها و بسیاری مسایل ناگفته دیگر آواراست برکمونیسم مارکس و

منصور حکمت، اما نکته دیگر که آن را لازم به یاد آوری میدانم. مسئله سناریو سیاه و سفید و جنگ مسلحانه و قهر انقلابی است. همه ما بخوبی میدانیم، حکومت کارگری در یک روز آفتابی در صلح و آرامش و به خوبی و خوشی هیچگاه به دست نخواهد آمد. سرتاسر دنیای وارونه کنونی در لجنزار سرمایه داری، میدان مبارزه طبقاتی است. خیل عظیم سرمایه داران مفتخور و

حکومتهایشان، همه مزدوران ریز و درشت و تا دندان مسلحشان در برابر ما کارگران و کمونیستها که نان و مسکن، که رفاه و خوشبختی و آزادی و برابری می خواهیم، ابادا نره ای کوتاه نخواهند آمد، با توسل به همه آنچه دارند با سرکوب و جنایت و قتل و براه انداختن انواع جنگهای داخلی، با داعش و القاعده، با حشد الشعبی و طالبان با اوباش حزب اله با همه ساز و برگ و مزدوران رنگارنگ و جنایت پیشه اشان به سراغ ما خواهند آمد. نره ای هم گذشت ندارند، کوتاه هم نخواهند آمد، می کشند، میزنند و ویران می کنند. تا انسانها همچنان مستاصل، باربر و مطیع باشند. تا انسانها بد را به بدتر ترجیح بدهند و.. همه ما دیگر شرایط تحمیل سناریو سیاه به افغانستان، یمن، عراق، سوریه و.. با خبریم و.. مسئله اینجاست، قهر را باید با قهر پاسخ داد. آیا دست بردن به اسلحه و اقدام نظامی برای ما میوه ممنوعه است! من فکر می کنم ما کمونیستها اکیدا نبایستی هیچگونه محدودیتی در بکار گیری همه ابزارهای مبارزاتی

نکاتی در ملزومات برپایی یک حزب کمونستی و کارگری جدید!

کامران پایدار

قبل از هر چیز باید تلاش صادقانه و رفیقانه تعدادی از رفقا را برای برپایی یک حزب کمونستی و کارگری جدید و شکستن فضای بسته و مهوع و به بن بست رسیده کنونی را که کارنامه سیاه جریانات ورشکسته موجود و مدعی کمونیسیم کارگری است، را ارج نهاد و قدر دانست. بی گمان هر حرکت نو و جدید و نقد گذشته ها ارزنده و ارزشمند است. امروز در میان جو مسموم و غیر صادقانه و غیر رفیقانه ای که فرقه های مدعی کمونیسیم کارگری پدید آورده اند، صداقت و شهامت، شجاعت و مسئولیت پذیری امری بسیار مهجور و دور از دسترس است. فضا سازی، زور گویی و سانسور در فضاهای بسته و خفه تشکیلاتی، دروغ گویی و بازگونه نمودن واقعیتهای انکار ناشدنی، ترور شخصیتی مخالفان سیاسی و تلاش مودبانه برای لوث نمودن حقایق، در عین حال بخشی از ماهیت وجودی این جریانات راست است. جریاناتی که علیرغم تمامی بن بست، بحرانها و گیر و گرفتارهای سیاسی و تشکیلاتیشان در حالیکه چشم و گوش خود را بر روی حقایق و واقعیتهای انکار ناپذیر بسته اند، به عیث می کوشند با لنجن پراکنی، با تهمت و افترا در اذهان چنین وانمود شود که گویا مخالفین و متقدین سیاسی اینها که تا دیروز یار گرمابه و حمایشان بوده اند، امروز

دیگر گویا جن زده شده اند، دچار مشکلات شخصی و اخلاقی شده اند و خواسته های برحق و کمونستیشان سیاسی نیست. این تنها تلاش و تقلای همانهایی است که از حفظ وضعیت موجود سود می برند، این تنها تلاش و تقلای همه آنهایی است که در طی چندین سالهای گذشته، عاملین و بانیان و مسببین همه انحرافات، همه انشعابات و جدایی ها و شکستها بوده اند. بی گمان مسئولیت این آوار عظیم که امروز بر روی کمونیسیم مارکس و منصور حکمت فرود آمده است بخشی از کارنامه و ماهیت افراد، بخوانیم رهبران خود خواه و مغرور و بی کفایت است. اما آنچه را که می خواهم بعنوان نظرات شخصی خودم، پیرامون ابعاد و چگونگی برپایی یک حزب کمونستی جدید بگویم. اکیدا، در جهت مخالفت و کارشکنی علیه نظریات دیگر رفقا نیست، رفقای که قبلا هم در موردشان با صراحت گفته ام حتی اگر با هم به توافقی هم نرسیم. تا همیجا، تا اینجایی که پیش آمده اند، شخصا برای صداقت، شهامت و حس مسئولیت پذیریشان احترام قایلم و درود میفرستم. نکته دیگری هم که لازم به یادآوریست، اجرای پروژه برپایی یک حزب متمایز و جدید قطعا از مسیر در هم آمیزی و جمع و تفریق و تضارب نظریات و آرا گوناگون، حتی گاه مخالف با یکدیگر به دست می آید. بنظرم باید در جوی رفیقانه و صمیمی که آکنده از احساس مسئولیت و احترام به کار جمعی است این پروژه را به پیش راند. افتخار

کمونیسیم ما به منطق پذیری و قانع نمودن مخالفان سیاسیمان است. من فکر می کنم مادامیکه، با شفافیت، با قاطعیت، با اصولیت و با احساس مسئولیت کمونستی، گذشته را نقد و قضاوت ننماییم، نتایج خوبی هم به دست نخواهد آمد. من بر خلاف تعدادی از رفقا می گویم، مشکلات ح حکمتیست عمدتا مربوط به فاصله زمانی فلان کنگره تا فلان کنگره نیست، مشکلات مربوط به ادغام تحقیر آمیز حزب منحل اتحاد در ح حکمتیست نیست، اگر چنانچه حزب اتحاد هم در این جریان ادغام نمی شد قطعا مشکلات و بحرانهای ح حکمتیست در اشکال و صور دیگری بروز می کرد. مشکلات منشاش هیئت اجرایی و فلانی و فلانی نیست، مشکلات ناشی از تخریب گارد آزادی نیست، چرا چون پروژه گارد آزادی از روز اولش چیزی نبوده که حالا چه باشد. عدم هر گونه پیشروی و بالندگی این پروژه بهترین گواه من است و... ح حکمتیست از سال 2004 تا امروزش هر دو جریان رسمی و غیر رسمی را می گویم، هیچگاه حزبی سر خط و در مسیر کمونیسیم مارکس و منصور نبوده است، حزب منشور سرنگونی، حزب رفراوندوم و مجلس موسسان، حزب سوسیالیسم مردم را رم میدهد، حزب مردم خر نشویدها و... این حزب هیچگاه و در هیچ برهه ای حزب و رهبر و سازمانده، حزب جدی و واقعی و در دسترس کارگران، زنان و جوانان و همه آحاد انسانهای زحمتکش نبوده و نیست. اگر چنین می بود امروزه این مباحث در بین من و شما و همه مادرگیر نمیشد. معجون در هم

و آشفته ای از کمونیسیم مذهبی و شرق زده، چریکیسم و روحیات پیشمرگیاتی، ناسیونالیسم، گرایشات پاسیو و راست با رگه هایی از کمونیسیم، رنگین کمانی از همه چیز و اما هیچ چیز! رفیق سلام در جایی می گوید: من از رفقای که در حزب مانده اند نمی خواهم جدا شوند یا استعفا نمایند و.. با همه احترامی که برای سلام عزیز قایلم، اما من می گویم: باید شفافیت و صراحتان را بیشتر کنیم. بی تردید، با یقین و با اطمینان به همه دوستانی که در آن احزاب نشسته اند باید بگویم رفقا آنجا جای کمونستها نیست، به آنها بگویم بر مزاری میگریند که مرده ای در آن نیست! از آنها بخواهیم تا بیش از این دیر نشده فاصله بگیرند و به روند پر شور و شر مبارزه و تکامل که راه تعالی و بالندگیست ببیوندند و... گذشته از دو جریان حکمتیست به حزب کمونیسیت کارگری نگاه کنید. جریانی تا مغز استخوان اپورتونیسیت و فرصت طلب، پوپولیسم با انواع گرایشات و انحرافات راست، حزب اکس مسلم، حزب انقلاب انسانی، جریانی بشدت در خود و منجمد شده در فضای نت و ماهواره، جریانی که از فرط بی ربطی به جامعه، طبقه کارگر و دیگر جنبشهای اجتماعی تضاد و منازعات باندهای جنایتکار سبز و سیاه حکومتی در حوادث سال 88 را انقلاب نامید و.. البته در آن دوران مشغله های لیدر کذایی این فرقه آنقدر زیاد شده بود که مجالی هم برای کشتی گرفتن با کروبوی و

نکاتی در ملزومات برپایی یک حزب...!

داشته باشیم. سرمایه داران و حکومتشان در یک روز آفتابی در کمال صلح و دوستی هیچگاه قدرت را به تقویض نخواهند نمود. تنها به نیروی قهر انقلابی و انقلاب کارگری باید حکومت شوراهای را برپا سازیم این از بدهیات است. اما رفقا! استفاده از نیروی نظامی کی، کجا و چگونه باید اجرایی شود، اگر این تشخیص درست نباشد متأسفانه نتیجه زحمات ما اگر برعکس نشود، هیچ خواهد بود. من توجه همه رفقا را به چگونگی تسلیح توده ها در جریان انقلاب اکتبر، برپایی ارتش سرخ و کسب قدرت سیاسی توسط کارگران و بلشویکها به رهبری لنین را جلب میکنم. (کتاب ده روزی که دنیا را لرزان اثر جان رید گواهی مستند بر این مدعاست)، حوادث انقلاب 57 ایران و تصرف و تسخیر پادگانها و مراکز نظامی حکومت و زندانها و... من فکر می کنم در شرایط حاضر تلاش برای ادامه کاری خط و مسیر شکست خورده گارد آزادی تحت هر عنوان جدید دیگری در دو فرقه حکمتیست علیرغم همه صداقتها و جسوریتها نتیجه ای در بر نخواهد داشت، همانگونه که تا کنون دیده ایم.

رفقا! برای شناخت و حل مشکلات باید به ریشه ها و منشا آنها پرداخت، باید کمونیسم مذهبی و شوق زده را رها نمود. امروز کمونیسم کارگری پس از ازدست دادن رهبرش راه ارتجاعی و عقب گرد را در

پیش گرفته است. در درجه اول و افتادن به دامان انواع گرایشات کمونیسم شوق زده و ملی مذهبی توده ایستی - اکثریتی و... و از آنطرف دیگر گرایشات انحرافی، و تجربه شده و شکست خورده چریکیسم و پیشمرگایتی و... هما نظر که قبلا هم گفته ام انحلال سه جریان مدعی کمونیسم کارگری، صفر نمودن همه کیلومترها و اتکا به کمونیسم مدرن مارکس و منصور حکمت در فضایی صادقانه جمعی، بر اساس احترام و مسئولانه و با تلاشی خستگی ناپذیر و جسورانه برای رهایی، برای برپایی انقلاب کارگری!

کامران پایدار
12/01/96

روز جهانی کارگر، روز اعلام تفر...!

را خاموش نگاهدارند و... نه تنها قدرت اجتماعی و طبقاتی خود را به رخ جهان خواهند کشید بلکه تناسب قوا را با سرعت تغییر خواهند داد و لرزه بر بیکر فاسد دولت و سرمایه داران انگل خواهند انداخت. همه مجبور میشوند با احترام بیشتری به کارگر نگاه کنند و ما هم مطالبات خود را با قدرت بیشتری میتوانیم طلب کنیم و از حلقومشان بیرون بکشیم. ابهت، قدرت و رمز هر نوع پیشرفت و تجمع و مراسمهای اعتراضی و همچنین جشنهای همبستگی کارگری از نظر من درگرو خواباندن چرخ تولید، به تعطیل کشاندن کامل چند مراکز مهم کارگری در روز اول مه و پخش این خبر مهم در جهان: که همه از شروع اعتصاب و اعتراض کارگران ایران در اول مه در

شرکت نفت و پتروشیمی و برق و... اخبار را بشنوند و بخوانند. بر بستر چنین تلاش و اقدام و عمل مستقیم کارگری و قدرتمند اعتراضی طبقه کارگر است که میتوانیم همزمان با قدرت به مراتب بیشتری مارش خیابانی و مراسم و جشن های همبستگی کارگری را در ابعاد گسترده و در شهرهای متعدد برگزار کنیم.

این تنها مسیری خواهد بود که میشود نظام سرمایه داری و جمهوری اسلامی را حتی برای یک روز هم شده به استیصال کشاند و دست کثیف و سرکوبگرانه و ظالمانه اش را از سر طبقه کارگر و جامعه کوتاهتر کرد.

فروردین ۹۶

آوریل ۲۰۱۷

خصوصیات این حزب جدید...!

قائل است و عملا از طریق مکانیسم حزبی این حقوق طبیعی منتقدین را همراه با احترام متقابل تضمین می کند. این حزب از سلاح انتقاد که یکی از اصول اساسی مارکسیسم است برای بازبینی و ابدیت کردن هرروزه سیاستها و عملکردهای ماشین حزبی خود استفاده می کند. برخورد اصولی و شفاف و بی وقفه در این عرصه بطور یقین به تقویت و کارآمدی حزب و شادابی و علاقه هرچه بیشتر اعضا رو به جلو کمک می کند. در این رابطه حزب باید یک کمیسیون مستقل از رهبری حزب را در بین اعضای حزب برای رسیدگی به شکایات تشکیلاتی انتخاب می کند.

نمایش انتخابات ریاست جمهوری در ایران را!

دهند. بگذار توده های مردم با شرکت نکردن در این نمایش به همه جهانیان نشان دهند که این رژیم هیچ نوع مشروعیتی ندارد و حاکمیت خود را به زور بر مردم این کشور تحمیل کرده است. لازم است که اینبار نیز مردم مبارز با شرکت نکردن در این نمایش، صفحه دیگری بر دفتر مبارزه قاطعانه خود بر علیه جمهوری اسلامی بیافزایند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
ایران
زنده باد انقلاب
زنده باد سوسیالیسم

سوسیالیسم تنها راه
نجات بشر...!

امروزی با این نسل در یک سو و در یک جبهه مشترک قرار گیریم و مبارزه ای را که در دستور کار داریم هماهنگ به پیش ببریم. چرا که همه ما از بین کارگران و زحمتکشان جامعه ایران برخاسته ایم و به این جنبش تعلق داریم. پس این ما و شما هستیم که باید در راستای این حرکت قرارگیریم و همراه نسل جوان جدید به پیش تازیم تا بتوانیم حکومتی را بر سر کار بیاوریم که شایسته انسان آزاد است. سوسیالیسم تنها راه رسیدن به آرزوهای ما است.

پیش بسوی تشکیل کنفرانس موسس حزب!

روز جهانی کارگر، روز اعلام تفر.....!

های معوقه حق تشکل و اعتراض و اعتصاب و آزادی زندانیان سیاسی و فعالین کارگری، برابری زن و مرد و... جزو اولویتهای مطالباتی امروز طبقه کارگر ایران هستند. ضروری است که رهبران پیشرو و سوسیالیست کل طبقه را حول این مطالبات بسیج و متحد کنند و در اول مه این مطالبات مشترک را بر افراشته کنند. رهبران پیشرو و دلسوز کارگری قاعدتا از تجارب تاکنونی درس می گیرند. برای خود وظیفه اتحاد کل طبقه علیه دولت و سرمایه داران قائل هستند. تدارک برگزاری مراسمهای اول مه با شکوه و قدرتمند طبقاتی در ایران بر دوش کمونیستها و رهبران عملی طبقه است.

اول مه و اشکال اعتراض

اما در رابطه با اشکال و سنتهای مختلف اعتراض روز جهانی کارگر، ضمن استقبال از هر اقدامی علیه سرمایه داری و کارفرما و دولت و هر شکلی از جشن و گردهمایی و همبستگی کارگری ولو در ابعاد کوچک در روز جهانی کارگر، باید از داده ها و سنتهای رایج و کم توقع و محدود نگرانه تاکنونی عبور کرد. روز کارگر و اعتراض و جشن آنرا به چند نمایش و اکسیون کوچک نباید تقلیل داد! خفقان و سرکوب واقعی است اما این عدم حضور قدرتمند طبقه و افق و تلاش محدود ما است که سرکوب و خفقان کنونی

بردی مزدی است! چنین سنتهای کاری به سنتهای طبقاتی مبارزه و اعتراض کارگری علیه سرمایه ندارند، آنرا مانع پیشروی پوپولیسم وارونه خود می داند. برای این سنت صف مشترک بازاری و کارگر و معلم و کارمند و دمکراسی طلب و قدیم مذهبی و جوان و زن و اصلاح طلب و مخالف اعدام و بلاخره "همه مردم" در خیابانهای یک شهر بهترین شکل و سنت مبارزه "متحد مردم" است. این هدف و استراتژی هم راست های ضد کارگری و هم برخی از چپهای پوپولیست سرویس دهند ه به راستهای ضد کارگری است از جمله در برخورد به روز جهانی کارگر و مبارزه با رژیم.

برای مثال حتی از زبان فلان فعال کارگری و کمونیستی می شنویم که قدرت طبقه کارگر "تنها در خیابانها" است، و اول ماه مه یعنی رژه رفتن در میدان. این "انقلابیگری" کارگری کاری به این ندارد که با وجود همه اهمیت رژه رفتن خیابانی، در این سنت، اولاً همه، کارگر و غیر کارگر، میتوانند رژه بروند و آیا واقعا توده زیادی را توانسته ایم برای رژه رفتن بسیج کنیم یا رژه نخبکان و فعالین است؟! و فراتر و مهمتر از آن، رژه ای که همونوا و متصل و همزمان با خواباندن چرخ تولید و اعتصابات و سر کارنرفتن حداقل بخش موثر طبقه، از جمله در روز اول مه نباشد، با وجود تمام اهمیتی که در مارش های خیابانی نهفته است، نمیتواند به تنهایی و بلاواسطه نه قدرت عظیم کارگر را به نمایش بگذارد و نه چالش و خطر جدی برای بورژوازی و طبقه حاکمه باشد. من میگویم برعکس، بیشترین قدرت اجتماعی طبقه کارگر

توانسته ما را به عقب براند. کمونیستها و فعالین پیشرو طبقه باید متوجه این مهم باشند که دولتها و گرایشات راست و جنبشهای طبقات غیر کارگر توانسته اند به مرور زمان افقها، مطالبات و سنت های اعتراضی سوسیالیستی و کمونیستی کارگران را نیز مانند خود کمونیسم و نفس ضدیت طبقه کارگر با سرمایه و کار مزدی به مسیرهای منطبق و بی زیان برای نظام طبقاتی حاکم سرمایه سوق دهند و بیش از پیش مهر و نقد عمیق طبقاتی و خصلت ضد کاپیتالیستی و آرمان خواهی کمونیستی و آزادی بشر از چنگ سرمایه داری را تضعیف و حاشیه ای تر کنند. این روند بطور برجسته ای حتی در روز جهانی کارگر و مارش اول ماه مه در اقصی نقاط جهان به روشنی دیده میشود و ایران هم بنظرم با وجود ویژه گی های خاصی که دارد از آن روند مستثنی نیست.

اخیرا برخی جریانات چپ به بهانه روز کارگر شیپور راست و پوپولیستی "اتحاد کارگر و مردم" را بصدا در آورده است. گویا روز اول مه روزی است که همه باید همدیگر را در آغوش بگیرند و متحد شوند، چرا و برای چه چیزی؟ برای کسی که هدفش مغشوش کردن آرمان و بنیاد های طبقاتی اول مه است مهم نیست، هدف سپر کردن کارگر و سودجویی از صفوف کارگران برای یک جنبش همگانی و "خلق" است! این بیشتر به دوستی خاله خرسه شبیه است، این دشمنی با کارگر و حکومت کارگری و لغو مالکیت خصوصی و کار

بدوا در کارخانه و مراکز کار و در اعتصاب و تعطیل کردن مراکز کار و چرخ تولید نهفته است. بدون رخ دادن چنین اتفاقی قدرت در "خیابانها" نیز هر چند باشکوه اما هنوز جدی و متحد کننده و تعیین کننده و موثر در تغییر تناسب قوا نیست و نبوده!

طبقه ای که به سرمایه داری می گوید "نه"، متشا درد و رنج او نظام کار مزدی است و این درست در قلب کارگاهها و کارخانه ها و در میان ابزار کار است که مستقیم و هر روزه احساسش میکند، همانجا به فرمان کارفرما و دولت مورد بهره کشی و استثمار و تحقیر قرار میگیرد، نان و مزدش را می دزدند و به گرو میگیرند و درست در همین جهنم باید گفت نه! بس است! دیگر قبول نمیکنم! و کل ماشین قدرت و زورگویی و سود جوئی سرمایه دار و دولتش را همانجا باید فلج کرد و پیام اول مه خود را از همانجا به آنها و به کل جامعه باید صادر کرد. کارگر معترض و متشکل در قدم اول باید نفرتش را نسبت به همین سیستم و اساسا با خواباندن کار و ماشینهای تولیدی که علیه خود او بکار گرفته میشود ابراز کند. با خواباندن چرخ تولید به این نظام وارونه "نه" روشن خود را بگویم و سودجویی کور و ظالمانه اش را به چالش بکشیم و گلوی سرمایه و دولتش را با دستان متحد خود و با خواباندن کار فشار دهیم.

اگر کارگران از جمله در ایران در روز اول مه، چرخ تولید را بخوابانند، کلید برق را یائین بکشند، لوله نفت را ببندند، موتور اتوبوس و قطار و هواپیما



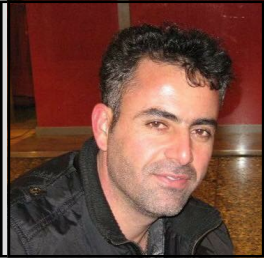
خصوصیات این حزب جدید چه باید باشد!

رنوف افسانی

این حزب هم جدید است و هم نیست. جدید است زیرا اعلام می کند که حزب جدیدی با رویکردهای جدید و با تجدیدنظرهای جدی نسبت به تجربه‌های ناموفق حزبی و مناسبات تشکیلاتی لااقل ۱۵ سال گذشته را تشکیل می دهد. و جدید نیست زیرا از نقطه صفر شروع نمی کند. این حزب به لحاظ هویتی و ایدئولوژیک تماما متکی است به علم و آموزش های ضد سرمایه داری مارکسیستی و متدولوژی انقلابی لنینی و منصور حکمت است. از ماتریال کادری و انسانی و تجربه انقلابی و مبارزاتی نزدیک به چهار دهه اخیر علیه رژیم سرمایه داری اسلامی در ایران برخوردار است. از آنجا که این بحث مفصلی است و نمی شود در این ظرفیت به جزئیات آن پرداخت، لذا به طور خلاصه و تیتروار به رئوس کلی نکاتی که از نظر من مهم هستند اشاره میکنم: - این حزب، یک حزب مارکسیستی و ضد سرمایه داری است. هدف و فعالیت اصلی، همیشگی و بی وقفه این حزب مبارزه و تلاش خستگی ناپذیر برای سازماندهی انقلاب کارگری و سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی ایران و برقراری سوسیالیسم است. - این حزب با شناخت و آگاهی عینی و واقعی از شرایط و ویژه گی های خاص ایران، به نیازهای مبارزه طبقاتی در

آن جامعه پاسخ می دهد. - تشکیل حزب مارکسیستی هدف نیست، بلکه ابزار است. اما ابزاری هدفمند و قدرتمند برای رسیدن به هدف اصلی، که از نظر ما سازماندهی انقلاب کارگری و سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی ایران و برقراری سوسیالیسم است. - هدف و فعالیت های این حزب مبارزه برای انقلاب سوسیالیستی است و نه اصلاحات. پس ما یک حزب اصلاح طلب نیستیم، بطور قاطع ما یک حزب براندازیم، ما خواهان و تلاشگر براندازی و سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی سرمایه داری ایران با تمام جناحهای هستیم. اصلاحات برای ما در سطح تاکتیک و بهبود شرایط زندگی مردم و جاده صاف کن برای رسیدن به هدف یعنی انقلاب سوسیالیستی است. - این حزب مارکسیستی یک حزب کارگری است و از زاویه منافع و زندگی طبقه کارگر و زحمتکشان که اکثریت قاطع جمعیت اند به کل جامعه ایران نگاه می کند. این حزب یک فرقه نیست، در عین حال از زاویه منافع کارگر در برابر تمام آحاد جامعه مسئول است و ظرف مبارزه برای از بین بردن هر نوع ستم و تبعیض و نابرابری در تمام کشور است. - آزادی و رهایی زنان در نظام استثمارگرانه سرمایه داری و بخصوص در نظام آپارتاید جنسی ایران، به امر مهم مبارزه طبقه کارگر تبدیل شده است. عرصه آزادی و رهایی زنان در ایران اسلامی یکی از

مشغله ها و اولویت های اصلی این حزب مارکسیستی است. - مبارزه با مذهب و بویژه در ایران، اسلام زدایی از جامعه و رابطه تنگاتنگ با سرکوب و ستم کشی زنان و دختران و ابزار سم آلود تحمیق مردم امر مهم دیگر این حزب مارکسیستی است. - رهایی از ستم ملی برای اقلیتهای ملی از زیر ستم و سرکوبگری دولت شوینیست اسلامی ایران از یک طرف، و از طرف دیگر برای جلوگیری از سوء استفاده ناسیونالیسم های کور محلی برای ایجاد دشمنی و تفرقه در بین مردم جامعه، این حزب مارکسیستی این عرصه را امر فعال خود می داند و برای حل آزادانه و عادلانه آن تلاش می کند. - مبارزه برای خلاصی فرهنگی و آزادیهای فردی در روابط سیاسی و اجتماعی و فضای شاد برای جوانان امر این حزب مارکسیستی است. - سرمایه داری یک پدیده در هم تنیده جهانی است و این حزب مارکسیستی بنابر ماهیتش یک حزب انترناسیونالیست و بر همبستگی جنبش های کارگری و آزادیخواهانه و سوسیالیستی جهانی تاکید می ورزد. اما در مرحله اول به دلیل محدودیت هایش و بطور واقعی و عملی تمام اولویتها و توانش را برای ساختن حزب در داخل کشور بکار می برد. ماتریال و فعال انسانی چنین حرکتی موجود است، ما آن را سازمان می دهیم. اگر در داخل به نیروی قابل ملاحظه ای تبدیل بشویم، در خارج کشور مورد احترام قرار می گیریم و می توانیم تاثیر گذار بشویم. - دولتهای سرمایه داری و از جمله رژیم اسلامی سرمایه داری ایران به اسم کمونیست و برای بدنام کردن کمونیسم حزب می سازند و انواع فعالیتها و تبلیغات



عزیز آجیکند

نمایش انتخابات ریاست جمهوری در ایران را به میدان مبارزه علیه این رژیم تبدیل کنیم!

مدارهایی مربوط می شوند که جناح های مختلف قبلاً در مورد آنها به توافق رسیده اند. اعتراض اکثریت مردم تشنه آزادی در این کشور به جمهوری اسلامی، از این نوع نیست. چنین انتقادی در چارچوب خرده گلایه های درونی سران رژیم از همدیگر قرار دارد. حقوق توده های مردم ایران از آن هنگام پایمال شد که رژیمی ضد کارگر، ضد زن، ضد جوان، ضد شادی، ضد آزادی، استثمارگر، ستمگر و دشمن همه بنیادهای زندگی انسانی با ضرب زور و سرکوب، شکنجه و زندان، بر مردم این کشور تحمیل شد. به همین دلیل است که نبایستی اجازه داد که دعوای درونی رژیم، شدید باشند یا نه، به حساب توده ها مردم ایران نوشته شوند. از فراندوم بهار 1358 تاکنون، هر رای که آگانه و یا ناآگاهانه در هر مرحله ای برای این رژیم به صندوق ریخته شده است در خدمت مشروعیت دادن به رژیم نامشروع به کار گرفته شده است و در عمل عمر این رژیم را طولانی تر کرده است. همه نمایشهای انتخاباتی در کنار ابزارهای دیگر فریب و سرکوب با هدف تحمیل اقتدار رژیم بر مردم ایران بکار گرفته شده اند. توده های مردم کردستان به خوبی می دانند که انتخابات در جمهوری اسلامی وسیله دیگری برای تحمیل بی حقوقی و فقر و تهیستی بر مردم ایران است که همزمان از طریق بکار بردن زور و

قرارات در آینده ی نزدیک نمایشی بنام انتخاب رئیس جمهوری که همزمان با انتخابات شوراهای شهر و روستاست، در ایران، برگزار گردد. این دوره که دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران نیز هست، قرار است در روز ۲۹ اردیبهشت ۹۶ برگزار گردد. دولت جمهوری اسلامی به بهانه مشروعیت دادن به حاکمیت پر از جنایت خود در واقع مردم ایران را فرا خوانده به پای صندوق های رای بروند و از میان جنایتکاران همیشگی خود، دزدان و عوامل وابسته به خود و پایبند به نظام ولایت فقیهش عده ای دیگر را انتخاب کنند تا برای چند سال دیگر بر آنها حاکمیت کنند. چنین نمایشهایی در فاصله چهار دهه از دیکتاتوریت این رژیم را در مقایسه با پایین ترین معیارها در یک دمکراسی بورژوایی هم نمی توان انتخابات نام نهاد.. شکی در آن نیست که نمایشهای انتخاباتی در ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی هرگز مجالی برای دخالت مردم در اداره کشور و در تعیین سرنوشت خود حتی در یک چارچوب محدود هم نبوده اند. امروز رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی این نمایش انتخاباتی را به اجرا درمی آورد که با آشفتگی های سیاسی و اقتصادی عمیقی دست به

ایجاد و اعلام حزب کمونیستی جدید، جوابگوی کدام نیازها؟

بابک باجلانی



مبارزاتی طبقه کارگر و زحمتکش و هم چنین فشارهای روز افزون معیشتی و اقتصادی و اجتماعی بر این طبقه و هم چنین جو فضای سیاسی منطقه خاورمیانه و جنگهای ارتجاعی و نابرابری که دولت سرمایه داری و عوامل دست نشانده اشان با سناریوهای خونین و سیاه رنگیشان در منطقه طی سالهای اخیر به راه انداخته اند و کماکان بصورت تدریجی سایه این فضای جنگی رابه سوی ایران بصورت مستقیم بوسیله تحریمهای اقتصادی و سیاسی، و غیر مستقیم با تقویت و توسل نیروهای ناسیونالیست و مرتجع مذهبی به خود با توجه به حوادث روی داده در این یکی دوسال اخیر سوق خواهند داد.

با توجه به این موارد وفاکت های موجود و هم چنین باز پس گیری منافع عامه مردم و طبقه کارگر و زحمتکش جامعه می باشد، که تعدادی از انسانهای شریف و کمونیست و چهره های مشخص چپ و انقلابی ایران را در داخل و خارج از چند ماه پیش بر آن داشت که بصورت جدی ایجاد حزبی نوین را در دستور کار و تلاش شبانه روزی خود قرار دهند. حزبی انقلابی و کمونیست، سوسیالیست و مدرن و رادیکال و ملیتانت

صفحه بعد

این جریان پس از فوت تئورسین اصلیش منصور حکمت متعاقباً دچار انشعاب و اختلاف نظری و سیاسی شد که منجر به ایجاد حزبی رادیکال و انقلابی برای مدت زمان خاصی به اسم حزب حکمتیست شد که متأسفانه حزب مذکور نیز دچار همان بیماری رایج محفلیم و فرقه گرایی و انحراف از اصول و میانی اصلی و رادیکال کمونیسم کارگری شد، که نه تنها نتیجه ای در امر مبارزاتی در بر نداشت بلکه تا حدود زیادی هم موجب ازفعالیت باز نشستن تعداد زیادی از رفقای سیاسی و حزبی چه در داخل و چه در خارج شد، و در بُعد مبارزات طبقه کارگر و مردم زحمتکش هم تأثیرات منفی و بسزایی به جا گذاشت. اما خوشبختان با عروج بخشی از رهبری رادیکال کمونیست درون آن حزب و کادرهای دلسوز و پراکتیسین و منتقد خط انفعال و پوپولیستی بر حزب حکمتیست و کناره گیری این کادرها همراه شدن نسل دیگری از کمونیستهای انقلابی بیرون آن احزاب مسیر برای ایجاد سنگر بندی انقلابی دیگری علیه جمهوری اسلام و نظام ظالم سرمایه داری ممکن گردید.

در ایران و منطقه نیز اوضاع وخیمی به ضرر جنبش آزادی در جریان است و مقابله جدی نیازمند است. با توجه به شرایط و مسائل گذشته و تاکنونی

آنها نیز تحت عنوان اکثریت در کنار حزب توده به دام جمهوری اسلامی "امام خمینی" افتادند. با آمدن اتحاد مبارزان کمونیست (سهند) و سرانجام به همراه کومله و برخی جریانات چپ در سال ۶۲ توانستند حزب کمونیست ایران تشکیل بدهند و مبارزه جدی علیه جمهوری اسلام سازمان دهند. که آنهم با دلاوری و جسارت انقلابی دهها و صدها کادر و عضو، چه در عرصه رهبری و تشکیلاتی در بدنه تشکیلات و سازمان نظامی آن توانست تا حدودی پروسه و پروژة روند روبه رشد مبارزات رادیکال و کمونیستی را همزمان درجنگ با حکومت دست نشانده سرمایه داری و ارتجاع مذهبی وقت و کنونی جمهوری اسلامی و هم بصورت درون سازمانی و حزبی به اجرا در آورد. این روند هم بعد از تحولات جهانی و عروج ناسیونالیسم کرد در سایه ارتش امریکا در خلیج بخشی از آن حزب کمونیست و کومه له به سیاستها و مبارزه خود پشت کردند و انشعاب صورت گرفت و اکثریت آن حزب و سازمان با فراکسیون کمونیزم کارگری اعلام جدائی کردند.

خط مشی مارکسیسم انقلابی و بعدها کمونیسم کارگری وقت که توسط منصور حکمت و سایر تئورسینهای دیگر حزبی سایه سنگین و سهم ناکی را روی چتر خفقان و توحش جمهوری اسلامی انداخته بود، که متأسفانه

دیرزمانیست که جامعه ایران و خصوصاً طبقه کارگر و زحمتکش نیازمند ایجاد یک حزب نوین کمونیستی و ملیتانت و رادیکال بوده و میباید، که جوابگو و مسئول و پی گیر درجهت مبارزات سازمانیافته تاکنونی مردم مبارزی که سالهاست برای ایجاد جامعه ای آزاد و برابر و بدون از هر نوع ستم جنسیتی و ملی و طبقاتی و... تلاش میکنند، باشد.

همانگونه که گاه و بعضاً همه شاهد بوده و هستیم، مبارزات احزاب چپ از ماقبل قیام مردمی ۱۳۵۷ و بیش از نیم قرن پیش از حزب توده گرفته تا سازمانهای چریکهای فدایی خلق، راه کارگر، قیام سربداران، رزمندگان، سازمان پیکار و نهائیتا کومله و حزب کمونیست ایران و دهها سازمان دسته جات چپ مختلف دیگر که هر کدام خود را باروش و متدهای سیاسی مربوط به کمونیسم و بلوک شرق در امر مبارزاتی و سیاسی در زمان حکومت پهلوی و حکومت اسلامی در ایران تداعی کرده و می کنند.

تنها جریانی که تا حد امکان توانست در اوایل انقلاب ۵۷ نقش ایفا کند ابتدا چریک هایی فدائی بود اگر چه در ادامه روند مبارزه نه تنها این مشی جوابگو نشد که بیشتر

علیه پیکاری متشکل شویم!

ایجاد و اعلام حزب کمونئیستی جدید، جوابگوی کدام...؟

که آحاد مختلف جامعه و خصوصاً کارگرومبارز را برای مبارزه همه جانبه با حکومت جهل و سرمایه داری- اسلامی در ایران و هم چنین مقابله با سایه خطرات احتمالی و جدی نیروهای مزدور مذهبی اسلامی و هم چنین احزاب ناسیونالیست و مجری سناریو سیاهی، سازماندهی و برقرار نماید، و امید و دریچه ای نوین دیگری در امر مبارزات برحق مردم و طبقه کارگر و زحمتکش بگشاید.

این حزب خلاف جریان نقد ها و تفاوت های خود را در نقد نا کارآمد و حاشیه ای بودن چپ و همچنین اهدام کلی خود را در چندین سمینار و مطالب و بحث به اطلاع عموم رسانده . اخیراً نیز با فراخوان ده ها فعال دلسوز کارگری و سوسیالیست در داخل و خارج کشور پا به عرصه جدی تری نهاده است. حزب جدید و مدرن ما کارگران و زحمتکشان که در آینده ای نه چندان دور کفرانس موسس خویش را تشکیل خواهد داد و رسماً اسم و پرچم مبارزاتی و مانیفیست و سیاست و برنامه های خویش را به جامعه و دنیای روبه بیرون اعلام خواهد کرد. این حزب حزب عمل و فعالیت انقلابی برای به زیر کشیدن رژیم جنایتکار اسلامی پا به عرصه می گذارد.

تفاوت هایی اساسی با متمدن و روش های عملکردی تاکتونی

احزاب موجود خواهد داشت: حزب رهبران جوان و کمونیست و همراه و همکار نسل قدیم است که با ابتکار و عملکرد خویش در شورای رهبری امر مبارزاتی و انقلابی خویش را به پیش خواهد برد. حزبی پراکنیک و ملیتانت و انقلابی در جهت واکنش سریع به مسائل و مشکلات موجود در جامعه و مبارزاتی و طبقاتی می باشد. حزب نه گفتن به تجاوز به حقوق کودکان کار، کودکان خیابان و اعتیاد... می باشد. حزب زنان در عرصه های مهم مبارزاتی و رهبری انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. حزب زنده کردن امید و نوید آزادی در دل هزاران مادر و خانواده داغ دیده هست که جوانانشان را دراه دفاع از آزادی و سوسیالیسم یا از دست دادند یا هنوز در سیاه چال های رژیم درنده اسلامی زیر شکنجه میباشند هستند. همه مبارزین از جمله جوانان رزمنده را به پیوستن به این حزب فرا می خوانم.

فروردین ۱۳۹۶

کارگران و کودکان کوره پز خانه ها،
بی حقوق ترین...!



خانوادهایی تشکیل میدهند که در دوازده ماه سال پنج تا شش ماه سال را باید چنان کار تحقیر آمیز در کوره و فشار کار "کنتراتی" را تحمل کنند که بتوانند با پولی که بدست می آورند شش ماه بیکاری بقیه سال را نیز با آن سپری کنند.

فشار کار طاقت فرسا، ساعت کار 14 تا 18 ساعت در روز، نبود بهداشت، مشکل جدی

اینجا خبری از دستمزد پایه نیست. کار کنتراتی است. در این حالت مرد یا سرپرست خانواده بعد از دولت و کارفرما عملاً مجبور میگردد در ظرفیت زورگو و استثمارگر همسر و فرزندان خود ظاهر شود و از آنها کار بیشتری بکشد تا زندگی برده وار خانواده تامین گردد. خلاصه از هر سو به این مراکز و شرایط کار آن نگاه میکنید جز استثمار، زور گویی، حق کشی محض، فریب و تن دادن به کار واقعاً بردگی هیچ اثری از یک زندگی انسانی و مثبتی در آن نمیتوان یافت.

علاوه بر این مشقات، باز تولید خرافات مذهبی و قومی و دست بردن دولت و کارفرما و دلالان فارس و کرد و ترک و عرب زبان آنها به چنین حربه هایی بیش از هر چیزی نمک بر زخم این بخش از کارگران می باشد. خود این خرافات ضد کارگری مستقیماً به پول و ثروت اندوزی سرمایه دار و به خالی شدن هر چه بیشتر سفره بی رونق کارگران تبدیل شده و میشود. به منظور ایجاد تفرقه و بهره گیری و سود جوئی و بالا زدن بیشتر پول و ثروت ناشی از زحمات مشترک همه کارگران، که عمدتاً مهاجر و فصلی هستند، بیشرمانه و آگاهانه هر از چند گاهی به بهانه هایی تخم نفاق را میباشند.

کارگران که از جانب دولت مشترک سرمایه داران فارس و کرد و ترک زبان و ... مورد تجاوز و استثمار قرار میگیرند نباید به چنین حربه

مسکن، طوری که 6 تا 8 نفر در یک آلونک کوچک جای داده میشوند، نبود آب آشامیدنی سالم و فشار کار غیر انسانی به کودکان که در میان آنها زیر 7 سال هم وجود دارد شرایطی به این بخش از طبقه ما تحمیل کرده است که بعد از چند سال کار در کوره به بزرگترین بیماری های جسمی و مزمن روبرو و مبتلا میشوند. گرمزدگی، خشکیدن آب بدن، افزایش بیش از حد دمای بدن و جریان خون، روماتیسم، کرختی تنگی نفس، سرفه، بیماری های مهلک تنفسی و ریوی، پوست، ناراحتی های چشمی، ناراحتی های درد مزمن مفاصل و عضلات بدن، و دیسک کمر و بیماری ریه، کلیه ها و آرتروز گردن و فقرات و زانو، بیماری های انگلی و ... از جمله این بیماریها است. کارگران در بخش های مختلف از جمله در قسمتهای "قرمزدار" چرخ کیش و "کوره سوز" به کار واداشته میشوند که بخش کوره سوز خطرناکترین آن می باشد.

تتها در تهران حدود 180 کوره آجرپزی وجود دارد که نزدیک به 50 کوره آن در خاتون آباد فعال میباشد و بیش از 60 سال است این مراکز بی حقوقی و نیروی کار ارزان سابقه دارند. به دلیل نیروی انسانی زیاد و نیروی کار بسیار ارزان سرمایه داران هیچ تغییری در دستگاه های کوره به وجود نیاورده اند و به همان شکل 60 سال پیش و قدیمی دارند دستی آجر تولید میکنند. ظاهراً در جای که "قانون" حاکم است سطح دستمزد ماهانه 300 هزار تومان تعیین گردیده که هیچگاه این مبلغ نیز بدرستی بدست کارگر نخواهد رسید.

**کارگران و کودکان
کوره پز خانه ها،
بی حقوق ترین
بخش ...!**

ضرورت تشکیل حزبی مدرن، چپ و انقلابی!

لقمان مهری



باید بدانند که این دولت به همراه همه صاحبان کوره و سرمایه داران "ملیتهای" مختلف یکجا دشمن کارگرانند و آنها از قبل رنج و کار کارگران و خون کودکان کارگر در کوره سفره خود را رنگین کرده اند و مفت میخورند. کارگران کوره از هیچ نوع حمایت قانونی برخوردار نیستند. بیمه و امنیت و دستمزد و بازنشستگی و بهداشت و غیره ای در میان نیست.

ضرورت تشکیل مستقل از دولت و انجمنهای صنفی

کارگران این بخش از هیچ شکل مستقلی برخوردار نیستند. در غیاب یک شکل رادیکال حقوق و زندگی این کارگران همچنان پایمال و بازیچه دولت و کافرماهای سوجو و ضد انسانی خواهند شد. کارگران کوره و پیشروان کارگری آنها لازمست به روشنی مطالبات فوری کارگران را برای بهبود شرایط کار از جمله افزایش دستمزد، تامین امکانات رفاهی و ایاب و ذهاب تسهیل کار را مطرح کنند. شبکه ای همبسته از پیشروان کارگری کوره های یک منطقه لازمست در ارتباط باهم اتحاد و همبستگی مبارزاتی را تامین کنند. مجمع عمومی کارگران کوره تشکیل فوری کارگران برای پیشبرد مبارزه و احقاق حقوق

را دوباره دردل مردم زنده کند. دوره شعار دادن و تترهای قرون وسطی بسراومده. حزبی مدرن و انقلابی میخوایم که در هر مرحله از مبارزه بتواند تحلیلی مشخص از شرایط مشخص ارایه بدهد، سازمانها و احزاب چپ دیگه به جای سنگ اندازی باید خوشحال باشند که جنبشهای جدید شکل بگیرند، چون همه در یک اصل مشترکند و اون سرنگونی رژیم و تلاش برای اینکه طبقه کارگر و زحمتکش بر سرنوشت خود حاکم شوند پس باید در این مرحله از مبارزه اتحاد عمل به وجود بیاد و بدوراز علایق شخصی و حزبی، منافع طبقاتی رو ملاک قرار دادتا اعتمادی که بسیاری از فعالان سوسیالیست طی این سالها در وجودشان از بین رفته دوباره بازگردد و شاهد اوجگیری جنبش انقلابی طبقه کارگر باشیم.

بباید باردیگر به هم اعتماد کنیم و به ایجاد حزبی کمک کنیم که برپایه شورایی و مدرن اداره میشه و عرصه را برای فعالیت همه اعضا باز میزازه و از محفلگرایی دوری میکند، طوری که همه خود راصاحب حزب میدانند و نسبت به ان متعهد و وفادار هستند.

پیش به سوی ایجاد حزبی چپ و انقلابی.

**زنده باد آزادی و برابری
زنده باد انسانیت مرگ بر رژیم
سرمایه و حامیانش
فروردین ۱۳۹۶**

در عصر حاضر وجود چنین حزبی میتواند عامل تاثیرگذار در روند مبارزات و معادلات منطقه ای باشد. شرایطی که باعث شده وجود چنین حزب سوسیالیستی را ضروری ساخته به وجود آمده است. از جمله شرایط عینی و ذهنی در این سالهای اخیر، یعنی ضرورت کمک به تقویت و افزایش قدرت جنبشهای کارگری، و کمک به ارتقای رشد کیفی آنها، و همچنین حمایت دیگر جنبشها از جمله جنبش زنان، جنبش دانشجویان و معلمان و پرستاران از طبقه کارگر. و بالاخر وجود خواست همگانی برای به میدان آمدن یک حزب انقلابی و رزمنده و سرنگونی طلب در منطقه و ایران که با بقیه نیروهای مسلح و اپوزسیون که هیچ نقش جدی ندارند متفاوت تر باشد.

ضروری وجود چنین حزبی از طرف دیگر برای سازماندهی مبارزه انقلابی و ملیتانت و گسترش مبارزه سرنگونی طلبانه این حکومت، در این دوره بسیار میرمیت پیدا کرده است. این حزب باید حزبی مداخله گر در تمام ابعاد جامعه باشد و حافظ و مدافع همه اقشار جامعه بدوراز تبعیضات نژادی، ملی و مذهبی باشد برای همین این فعالان سوسیالیست از نقاط مختلف دنیا جمع شده و باتمام انرژی در پی ایجاد این حزب هستند. حزبی که از گذشته درس گرفته و از محفل گرایی و سکت گرایی دوری کند و مبارزه ای فعال در تمام سطوح جامعه رابه نمایش بگذارد و امید

همه کسانی که حداقل درک طبقاتی داشته باشند میدانند وجود حزب سیاسی برای طبقه کارگر و زحمتکش یکی از مهمترین اصول کمونیسم و مارکسیسم هست. حزب مهمترین سازمان سیاسی در دوران مدرن هست و پل ارتباطی بین جامعه و مسئولین میباشد، حزب باید از پشتیبانی مردم برخوردار باشد و این یکی از ملزومات داشتن اعضای حزب در داخل میباشد یک حزب کمونیست قوی و دخالتگر نمیتواند بدون دخالت کارگران و زحمتکشان و زنان یک جریان ضد سرمایه داری موفق باشد. جامعه از مایک حزب کمونیستی قوی میخواهد که در برابر دشمن تاریخی خود استراتژی و الترناتیو کارگری داشته باشد. نشستن و شعار دادن و بیانیه دادن صرف جوابگو نیست. در خلا نبود چنین حزبی در این چند ساله احزاب ناسیونالیست و حتی اسلامیها عرض اندام کردن و فرصت پیدا کردن عرض اندام کنند. ولی باتشکیل یک حزب بزرگ سیاسی و مسلح و رزمنده همه آنها مجبور به عقب نشینی خواهند شد. و البته در این راه سنگ اندازی زیادی خواهند کرد که نهایتا تجربیات تاریخی خبر از شکست قطعی آنها میدهد. ایجاد چنین حزبی در گرو پشتکاری و همدلی و تلاش همه انسانهای چپ و سوسیالیست میباشد.

سوسیالیسم تنها راه نجات بشر ، در این راه با ما باشید! عزیز آجیند

امروز کار کردن و فعال بودن و به پیش تاختن برای تشکیل یک حزب کمونیست و مدرن و آینده نگر که در خدمت احاد جامعه باشد ، لازمه کار هر انقلابیونی است که عزم را جزم کرده و میخواهند در مبارزه ای شرکت کنند که در آن جان تازه ای به مبارزه علیه هارترین رژیم بخشند . شکل گیری چنین حزب کمونیست و مردمی از یک سو نیازمند حمایت نسل نوینی از جوانان مبارزیست که آرزوی تشکیل چنین حزبی را سالیانیست با خود کش میکنند و افق آرزوهای خود را در گرو تشکیل آن میبینند و از سوی دیگر دعوت به عمل آوردن آن دسته از مبارزینی چپ کمونیستی که سالیانیست مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را در دستور کار خود قرار داده اند و اما بدلالی در بیرون این دایره مبارزاتی به سر میبرند و امیدشان تشکیل حزبییست که بدور باشد از یک حزب سنتی و سکتاریستی که بتوانند در آن دور هم گرد آیند و مبارزه ای را با مناسبات سالم سیاسی و بدور از هر نوع کشمکش سیاسی و شخصی به پیش برند . ما زاده کشوری هستیم که در آن انسانها حق هیچ نوع انتخابی ندارند و حق و حقوق انسانها با بدترین شیوه های ممکن پایمال میشود . انتخابات در آن دمکراتیک نیست . حکومت مشرعیست خود را با سرکوب و اعدام و زندان از مردمانش میگیرد. نزدیک به

سه دهه است که ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دگرگونی های جدی را بخود دیده است، که مابه از آن جنبشهای خودجوش، اعتصابات و حرکتی از طرف توده های مردم در گوشه و کنار ایران است . تمام این حرکات و جنب و جوشها و اعتصابات کارگری و فعالیت روزمره فرهنگیان و اعاد جامعه متشکل از زنان و جوانان به تنگ آمده از این اوضاع متفاوت است از اعتراض اصلاح طلبان حکومتی و جنایت پیشگانی چون خاتمی و موسوی و کربوبی و امثال آنها. اعتراض مردم به تنگ آمده، از بطن جامعه برآمده است و میخواهد نظام حاکم را به زیر کشد و به عمرش پایانی دهند. امروز این تحولات در شاخصه های اصلی حیات اجتماعی چنان دگرگونی بوجود آورده است که جامعه ایران را از دوره قبل و اوائل انقلاب متمایز میکند. تحول در ترکیب جمعیت و شکل گیری جامعه ای جوان و پر جنب و جوش و ناراضی، ظهور و پیدایش یک نیروی عظیم و آبدیده و دگرگون ساز نسل جدید، افزایش قابل توجه نیروهای کار و باتجربه و تحول از جامعه ای نیمه با سواد به جامعه ای باسواد، افزایش سریع تحصیل کردگان و روشنفکران و نویسندگان که از بطن این تحولات ساختاری در جامعه ایران در طول نزدیک به سه دهه گذشته زاده شد و تا به امروز هم در همه اجتماعات و جنبشهای توده ای و اعتراضات ضدحکومتی علیه اعدام و زندان و شکنجه

و دیگر معضلات اجتماعی شهروندان به تنگ آمده ، نقش آفرینی میکنند. دگرگونی ساختاری در طول این مدت ویر آمده از حرکت و اقدامات ضدحکومتی توده های زحمتکش از طبقات مختلف جامعه ، دمکراسی و آزادی و سرنگونی حکومت ضد بشری جمهوری اسلامی را به مسئله اصلی جامعه و نسل جوان آن تبدیل کرده است و این امر را مدلل نمود که در جامعه ایران، امر توسعه با دمکراسی و آزادی و سرنگونی درآمیخته است. به بیان ساده تر تحقق امر توسعه و پیشرفت جامعه ایران در بطن اعتراضات و برآمدهای توده ای و خواستهای امروز مردم و نسل جوانش، مشروط به تامین دمکراسی و آزادی است. در کشور ایران سازمانهای چپ و کمونیست که از زنان و جوانان و مطالبات کارگران، زحمتکشان و اقشار کم درآمد جامعه دفاع میکنند، قانونی نیستند و تحت پیگرد و سرکوب جمهوری اسلامی قرار دارند. و همین امر جنایتکارانه باعث شده که مخالفان جمهوری اسلامی از قشرهای مختلف جامعه در بیرون از مرزها به مبارزه خود علیه رژیم ادامه دهند که چنین امری بی شک به بقای پجنایتکاران جمهوری اسلامی بی تاثیر نبوده است. امروز در جامعه ایران فقر گسترده، شکاف طبقاتی، تعمیق فاصله فقر و ثروت، تمرکز دارائی های کشور در دست لایه کوچکی از جامعه ، معضلات اجتماعی " اعتیاد به عنوان یک بلای خانمانسوز ، طلاق ، خودکشی ، بیکاری، " ، تأثیرات خود را روی نیروی سیاسی و اجتماعی گذاشته و بستر مساعدی را برای شکل گیری نیروهای چپ و

کارگران و کودکان کوره پز خانه ها، بی حقوق ترین بخش طبقه کارگر!

سلام زیجی

به عنوان مقدمه: شروع سال جدید و فرا رسیدن بهار مصادف است با تعرض سازمانیافته دولت اسلامی و سرمایه داران در پوشش "تعیین حداقل دستمزد کارگران" به طبقه کارگر ایران. کارگران با تحمیل دستمزد بردگی، نپرداختن حقوق های معوقه، گسترش فقر، بیکاری و سرکوب به مراتب بیشتری مواجه میشوند. بر بستر تداوم این روند ضد کارگری، اعمال بی حقوقی باز هم بیشتر و به انقیاد کشاندن و به گرو گرفتن زندگی و معیشت میلونها کارگر، فصل تازه ای از زندگی بردگی و مشقات نسلی دیگری از کارگران و کودکان کار تحت عنوان "کارگران کوره پزخانه ها" نیز از نو شروع میشود.

دهها هزار خانواده و کارگر بزرگسال و خردسال گرسنه و فاقد حداقل امکانات در اقصی نقاط ایران "داوطلبانه" و با "خوشحالی" در انتظار شروع فصل کار کوره پزخانه، دادن سرنوشت بی سرنوشت خود به دلالات و سرمایه داران، و آماده برای سفر دسته جمعی به سوی فروش نیروی کار ارزان خود و کار طاقت فرسا به عنوان "قرمزدار" چرخ کش" ، "کوره سوز"،... با نبود بیمه و امنیت و ساعت کار و با شرایط سخت و طاقت فرسا و نبود حداقل امکانات

درد و رنج این کارگران نمیتوانند داشته باشند.

مقاله ی که در زیر میخوانید در رابطه با زندگی و کار بردگی تحمیل شده به کارگران کوره پزخانه ها نوشته بودم. در این مطلب علاوه بر دادن تصویر واقعی از شرایط زندگی پرمشقت این بخش از طبقه ما، به راه حلهایی در جهت دفاع از حقوق این بخش از کارگران نیز تاکیداتی شده و فعالین کارگری را در جهت ایفا نقش و تلاش بیشتر و اقدام های معینی در این زمینه مورد خطاب قرار داده بودم.

ضمن جلب توجه مجدد شما به مطلب زیر، یک بار دیگر فعالین پیشرو طبقه کارگر از جمله فعالین کارگری در کوره پزخانه ها را به ایفا نقش فعالتر در حمایت، سازماندهی و اتحاد کارگران کوره پزخانه ها فرا میخوانم.

بر کارگران در کوره پز خانه ها چه میگرد

کوره پزخانه ها و کار بردگی در آن نمونه بارز ماهیت نظم ظالمانه و حریص سرمایه و شناسنامه دولت های سرمایه داری و ضد انسانی را برای همه بر ملا میکند. از سال 1338 که کارگر اعتصابی کوره پزخانه های ایران بدست رژیم بورژوا- استبدادی شاه به خون کشیده شدند تا امروز که هر ساله دهها هزار کارگر در سی سال حاکمیت ننگین حکومت بورژوا اسلامی چون برده به استثمار کشیده میشوند و هزاران کارگر کوره محکوم به نابودی گریده اند ما شاهد استثمار بی وقفه در حق این بخش از طبقه کارگر ایران هستیم. شرایط کار در کوره های آجریزی تنها با برده وارترین و بی حقوقترین بخش

کارگری قابل مقایسه است. فریاد دادخواهی و اعتراض کارگران کوره در شبستر و قرچک و ارومیه و بوکان و خراسان و تهران و دهها نقطه دیگر ایران تنها با یک پاسخ روبرو گردیده است: دولت و سرمایه داران ریز و درشت فارس و ترک و کرد و عرب زبان به جز حفظ سرمایه خود و ثروت اندوزی به هیچ پدیده ای که ذره ای به انسانیت نزدیکی داشته باشد، نمی اندیشند. اینها بساط سروری خود را بر سفره های خون و رنج کارگران و مردم تهی دست برپا میکنند. قربانیان کوره پز خانه ها سال ها و دهه هاست از کودک و جوان تا سالمندان، زن و مرد و اعضای دهها هزار خانواده در این کوره پز خانه ها همراه آجرها می سوزند و به جای زندگی جان می دهند.

قوانین ضد انسانی حاکم بر شرایط کار کوره پز خانه ها

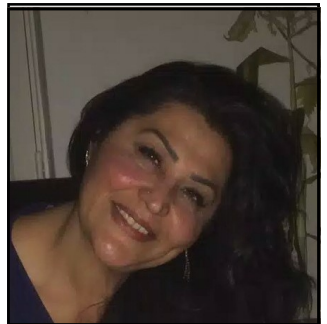
قوانین حاکم بر کوره خانه ها جنگلی تر و بی قانون تر از خود "قانون کار" جمهوری اسلامی است. ساعت کار تعیین شده و حقوق بازنشستگی و خسارت ناشی از سوانح کار و امنیت شغلی و بیمه و غیره هیچ معنای در این مراکز ندارد. کارفرما و دلالاتی که عمدتاً از کردستان و آذربایجان و از میان روستائیان فاقد زمین این نیروی عظیم ارزان را در کوره ها جمع میکنند همه کاره و ماورا هر قانونی هستند. بیش از هشتاد درصد کارگران کوره و خانواده های کارگری عازم کوره پز خانه ها را افراد یا

کارگران و کودکان کوره پز خانه ها، بی حقوق ترین بخش طبقه کارگر!

کارگری است . کارگران کوره لازمست مجمع عمومی منظم خود را سازمان دهند. کارگران به تماس و همبستگی با کلبه کوره ها نیاز مبرم دارند و همه اینها به ایجاد مجمع عمومی کارگران گره خورده است. کارگران کوره پزخانه ها چاره ای جز متحد شدن در مقابل کار بردگی در کوره پزخانه که دولت و کارفرماها عامل آن میباشند، ندارند.

s_zijji@yahoo.se

فروردین ۹۵



خشم من !

من یک کارگرم
همه چیز را می سازم
اما همه چیز بر علیه من است
کارفرما
قانون گذار
قوانین
دادگاه
حتی ابزار کارم با ان تیغه
بیرحمش
همه چیز را می سازم
اما از همه چیز محروم
به جز یک چیز

که کسی نمی تواند ان را از من بگیرد
و ان خشم من است
خشم من فقط خشم من نیست
خشم تمامی کارگران و
زحمتکشان جهان است
خشم من خورشیدی است که
شب را به صبح مبدل می کند
و این تمام دارایی من است
و این تمام ارمان من است

پیام مه!

در سحرگاه امروز سپیده باز
دمید ، اول ماه مه از سر رسید
مژده گل در دستان کارگر
شکفته شد
شیپور کمون بازدمیده شد
خیابان به لرزه در میاید
افق روشن در سینه کارگر به
صدا در میاید
از شیگاوگو تامیکزیکوسیتی
از لندن تا برلین .
از برلین تا تهران
از تهران تا مسکو
از مسکو تا کموناردهای سرخ
پاریس
بیا میخیزم ، جهانی آباد می
سازیم
بیائید همصدا استنمار را فنا
کنیم
قانون کهنه را به دور اندازیم
امروزه قهقه کنان رژه میرویم
دست در دست هم می
نمهم انقلابی بیا میکنیم
به پیش میرویم
اعلام جنگ میکنیم
فریاد آزادی سر میدهیم
سحرگاه امروز
خیابان را در آغوش میکشیم
بر پا کنندگان ستم را در هم
میگویم
در یک صف ایستاده ایم
پرچم سرخ را به احتزاز در
آورده ایم
بیا میخیزم

دست در دست هم انقلابی بیا
میکنیم
به پیش میرویم
قانون پوسیده کهن را له میکنیم
فریاد آزادی سر میدهیم
پرشور تر از دیروز ارتشی
میافرینیم
رزمنده و جسور همچون
کموناردهای سرخ
به پیش می تازیم
دست در دست هم طبقه هایمان
، بهار میافرینیم
در خیابان ، در کارخانه و
کارگاه
همچون مثنی محکم
میشکافم سینه سرمایه
به پیش می تازیم
امروز
در رزم ، میجنگم ،
پارتیزانم ، فریاد آزادی سر
میدهم
ریشه ام درختیست در جنگل
آهم رعدیست میگرد
همچو موج دریا طغیان میکند
همه مرزها را در مینوردد
جهانی به پا میکند
آباد میکند
...
در سحر گاه امروز
خورشید رنگی دیگر به خود
میگیرد
دشمنان آزادی از رزمان از
اتحادمان
فنا میگردند
قلبهای شاد دوباره پایتخت عشق
را صاحب میشوند
لبها با خنده میشکفند
رقص کنان
دنایی را با رنگ سرخ طنین
میکنند و
سنگر آزادی در قلبها نقش
میبندد
و اینک در دوردستها ستاره
ای سرخ رنگ
می درخشد رو به فردای
سوسیالیزم
و این منم که در دستان خود
بهار می آفرینم و
آنها به تو هدیه میدهم

روزت مبارک کارگر ای تنها
همرزم

"عزیز" ناله کی
پاریس 1/5/2016

**اطلاعیه زمان برگزاری
کنفرانس موسس حزب
جدید در شماره سوم این
نشریه به اطلاع عموم
خواهد رسید.**

**برای برگزاری کنفرانس
و تامین هزینه مالی و
اقدامات حول آن نیاز به
کمک مالی مبارزین
داریم.**

**در صورت تمایل به
کمک مالی به ما با
رفقای دست آندرکار
تماس حاصل بفرمائید**

**همچنین هیئت برگزار
کننده از دریافت نظرات
پیشنهادی، انتقادی شما
صمیمانه استقبال می
کند.**

**از جمله از فعالین
کمونیست و کارگری در
ایران می خواهیم در
تدارک سیاسی این
کنفرانس و ایجاد حزب
سیاسی خود برخورد
فعال بکنند.**

مرگ بر جمهوری اسلامی!

تفاوت‌های ما

گفتگوی نشریه "سوسیالیسم امروز" با سلام زیجی

سوسیالیسم امروز: تفاوت حزبی که شما در حال تشکیل آن هستید به لحاظ سیاسی، ساختار تشکیلاتی، رهبری، برنامه، اساسنامه و عملی با احزابی که به نام کمونیست و یا کمونیست کارگری فعالیت میکنند چه میباشد.

سلام زیجی: سمینارهای تصویری دو ماه پیش و مطالب که منتشر کرده ایم، به علاوه متن فراخوان من و فراخوان مشترک شصت-هفتاد نفری برای تشکیل حزب، میزگرد و مباحث تصویری صورت گرفته تا کنونی دیگر از جمله منابعی هستند که تا حدود زیادی حول موضوعات سوال شما و نقد و تفاوت‌های ما را با آن احزاب و جریان‌ات منعکس کرده است. همچنین توصیه میکنم دوستانی که آن منابع را ندیده اند به آنها مراجعه نمایند. امیدوارم به زودی بتوانیم کلیه این اسناد را در سایت و دیگر رسانه های در حال تاسیس را مجددا در دسترس عموم قرار دهیم.

موضوعات طرح شده در سوال شما در واقع نیازمند بحث مفصلی تری است. اما در پاسخ به آنها و در راستای مباحث صورت گرفته تا کنونی به چندین موضوع ضروری خواهم

پرداخت:

به گذشته نقد جدی داریم
ما مسئولیت پذیر هستیم. نگاه انتقاد آمیزی به راهی که در این سه-چهار دهه طی کرده ایم داریم. این نقد مایه شرم و سر افکندگی نه برای خود به عنوان کمونیستهای مبارز آن تاریخ و نه برای جنبش مان نمی دانیم، برعکس آنرا نشانه صداقت کمونیستی، نشانه اعلام تعهد به عدم تکرار آنها و درس گرفتن از نقاط قوت و ضعف تاکنونی آن روند تاریخی ارزیابی میکنیم. نقد صادقانه به گذشته گامی به جلو است. نقد ما به سیاستها، عملکردها، سنتها، شیوه‌های رهبری و مناسباتهای کهنه و انشعاباتها، همچنین به نقش بی نقش اپوزیسیون چپ در روند مبارزه طبقاتی طبقه کارگر و عدم برخورداری از پتانسل لازم در جهت گسترش مبارزه جدی علیه جمهوری اسلامی و تحقق امر مبرم سرنگونی آن و طبقه حاکمه است.

از اینرو به گذشته مبارزه خود و کل تاریخ چپ، با وجود هر جنبه مثبت و فداکاری و تلاشی که صورت گرفته است، نقد جدی سیاسی، تاکتیکی و استراتژیکی داریم. برعکس چپ موجود به همه گذشته خود مدال نمی دهیم! برعکس این چپ، پروسه ۳۸ سال گذشته حاکمیت این رژیم را صرفا با

اعمال سرکوب و جنایتکارانه آن نظام توضیح و بررسی نمی کنیم، بلکه به نقش کمک کننده و مخرب و حتی جنایتکارانه بخشی از "اپوزسیون" وقت و همچنین اشتباهات و سیاستهای غلط و فاحش جریانهای کمونیستی که ما هم در این ۳۸ سال با آنها کار کرده ایم به عنوان یکی از عوامل مهم در عدم پیروزی خود بر رژیم فاشیست اسلامی بررسی می کنیم. بدین ترتیب ناتوانی ها و خطاها و اشتباهات گذشته خود و احزابی که با آن بوده ایم تیرنه نخواهیم کرد. سیاست و نقش طیف چپ ایران و بخشی از سنتهای درون جنبشمان و همچنین فعالینی از جنبش کارگری و در راس همه کلیه رهبران کنونی و اصلی احزاب موجود چپ و کمونیست را در این روند عدم پیشرفت و عدم پیروزی بر ارتجاع و جمهوری اسلامی را نیز مسئول و مقصر می دانیم.

حزب سیاسی متفاوت خواهیم ساخت

یکی از مهمترین تفاوت محوری ما با چپ موجود و از جمله با احزاب حاشیه ی و سکتی و سیستم رهبری سنتی- محفلی که از آنها جدا شدیم این است که میخوایم واقعا یک حزب سیاسی مدرن و مسئول باشیم نه حزب فرقه ای و حزب محافل "ایدئولوژیک" و بی ربط به تحولات و جامعه.

تحزب محکم و منضبط و حزبییت بازسیاسی لازم و ملزومه همدیگرند. این اصل تفکیک ناپذیر رکن اولیه شالوده سیاسی و سازمانی حزب جدید ما خواهد بود. در ضمن بیشتر احزاب موجود هر چند مکانیزم "انتخابات" هم دارند، اما در حقیقت به جایی رهبری سیاسی بیشتر شیخ و قائد دارند. ظرفیت و توانائی واقعی سیاسی افراد معیار تعیین کننده نیست! محفل بازی و رفاقت و "شخصیت" و "همشهری بازی" و سنتهای دیگر غیره کمونیستی در بیشتر موارد حرف آخر را می زند! به چالش کشیدن چنین سنتها و شخصیتها و قاندهای ناتوان و بی نقش، یا نقد و چالش کردن سیاسی و در مقابلش کاندید شدن، و یا تلاش برای برکناری اش فورا به جنگ و دعوا و بحران منجر میگردد. بارها و بارها چنین شده است. این در حالی است که تقریبا کلیه این مسئولین محترم سازمانهای موجود در خطاب به جامعه ادعاهای غیر واقعی و کاذب دیگری در رابطه با مناسبات خود دارند. یا اعلام میکنند که هر فرد دیگری بیایید آنها از صندلی و پستی که به قدمت حاکمیت یک "شاه" و یک "امام" برآن تکیه زده اند کنار می کشند، اما همه میدانند که هیچ صداقت

ادامه در صفحه بعد

زنده باد تحزب کمونیستی!

و حقیقتی در ادعایشان نیست! عبور از این منجلاب و سنت گامی به سوی ایجاد یک حزب سیاسی و کمونیستی و اجتماعی است.

نکته پایه ی تر و محوری تر خصوصیات یک حزب سیاسی برای ما حضور، نقش و دخالت فعال در تحولات، درگیر شدن در مسائل جاری جنبشهای سیاسی مترقی از جمله جنبش طبقه کارگر به عنوان یک حزب سیاسی تاثیر گذار و تاثیر پذیر است. یک حزب سیاسی سوسیالیستی نمی تواند در میدان مستقیم مبارزه سیاسی و جدی در روند سرنوشتی انقلابی و قهر آمیز جمهوری جنایتکار اسلامی غایب باشد. در غیاب چنین نقش و حزبی همه ی آن عوامل منفی مورد اشاره باز تولید خواهند شد. وجه دوم خصوصیات حزبیت سیاسی ما، این هم تفاوت جدی ما را با بقیه نشان خواهد داد، بر میگردد به سوخت و ساز سیاسی و سازمانی صفوف حزب.

تأمین و تضمین قطعی بیان نظرات متفاوت سیاسی و نقد سطوح مختلف فعالیتها و طرح هر شکلی از نظرات و دیدگاههای سیاسی در سطح کل حزب و جنبشمان وظیفه پایه رهبری و کلیه ارگانهای حزب است. در حزب ما جاده یکطرفه ی وجود نخواهد داشت! چنین نیست که فقط رهبر دستور می دهد و بقیه حق انتقاد و چالش و برکناریش را ندارند. هم جایگاه "دستور" و تصمیم ارگان رهبری کننده باید محترم و جدی

تلقی گردد در کل حزب، و هم جایگاه تضمین حق بدون قید و شرط و بدون ایجاد محدودیت بیان نقد و نظر متفاوت سیاسی از جمله علیه رهبری حزب! باید مکانیزمی تعریف گردد که تنها ارگان رهبری کننده آن مقطع خاص نیست که حق و ناحق را تشخیص می دهد و حکم در باره اش صادر می کند. حق ندارد همزمان در مقامهای "قوه مجریه، مقننه و قضایه" ظاهر شود! تشخیص رسیدگی به اعتراض و نقدهای پایه، وقتی که کشمکش و نقد رهبری و ارگان مافوق در حزب را نشانه می گیرد، وقتی خود این اختلاف در درون ارگان رهبری کننده است، کمسیونهای معتبر و مستقل از آن ارگان و طرفین درگیر باید تشکیل داد. در صورت ضروری نشستهای سراسری تر حزب فراخوان داده شود تا به موضوع رسیدگی کند. سر انجام هر شکلی از رسیدگی نیز نباید به ایجاد فشار و مقرر کردن محدودیت برای ممانعت از ابراز نقد سیاسی برای مخالفین سیاسی و اقلیت منجر گردد! هیچ یک از جریانات که ما می شناسیم این مکانیزم کمونیستی و آزاد و مترقی را در سوخت و ساز خود ندارند!

من طرفدار این بوده و هستم که نظرات متفاوت سیاسی جدی در یک حزب سیاسی را حتی در ملا عام و علنا صورت بگیرد. اگر آن حزب سیاسی معین حزب معتبر است و به خود اعتماد داشته باشد از این روشهای شفاف و بدیهی هراسی نخواهد داشت. شخصا چند بار حول همین اختلافات جدی سیاسی در حزبی که از آن جدا شدم اعضای از "رهبری" قطب سیاسی مخالف خود را عوت به مناظره علنی کردم اما به حکم فرهنگ خاصی که

داشتند از آن پرهیز نمودند.

در حزب ما، بر عکس بیشتر احزاب موجود، هیچ فردی، در هیچ سطحی، بخاطر داشتن نظر متفاوت و منتقد بودنش و یا به دلیل به چالش کشیدن فلان ارگان یا عنصر رهبری هرگز مجبور به ترک صفوف حزب و فعالیت مشترک کمونیستی و سیاسی نخواهد شد. چنین اتفاقی باید به عنوان یک عمل خلاف پرنسپیهای کمونیستی و حزبی و به مثابه یک خطای بسیار بزرگ و سو استفاده از موقعیت حزبی مورد رسیدگی فوری فرار بگیرد. هر فردی نیز به هر دلیلی حزب را ترک کند بجای رفتار حقیرانه و عقب افتاده تاکنونی سنتهای ورشکسته جریانات شناخته شده، با آن باید با کمال احترام رفتار شود، و سر تعظیم فرود میاوریم برای زحماتش و تلاش سیاسی و مبارزاتی مشترک که با همدیگر داشتیم.

در کنفرانس موسس حزب تلاش میکنیم مجموعه قوانین و مقرراتی در این زمینه تصویب کنیم که هیچ ارگان و فردی نتواند فضای محدود غیر سیاسی و غیر رفیقانه و بسته و عقب افتاده برای هیچ بخشی از کادر و اعضای حزب تحمیل کند. حضور مستمر سیاسی در جامعه و دخیل در جنبشهای اجتماعی، برخورداری از نظم و نسق روشن و محکم و تأمین یک حزب بشاش، سیاسی، منتقد، و فعال از جمله تفاوتهای ما با بقیه و رمز پیشروی حزبمان تلقی میکنیم.

کدام جنبش؟ کدام افق؟

نگاه ما به تحولات سیاسی و به برخی از اعتراضات و جنبشهای اعتراضی و همینطور

به تحولات بعداز "برجام"، که بیشتر نیروهای چپ از جمله رهبری جدید راست غالب بر "حزب کمونیست کارگری ایران" و بخشی از رهبری آلمان "حزب حکمیتست" تصورشان این بود رژیم شکست خورده و به زودی سرنگون می شود، و "سرنوشتی شیرین" در راه است، بسیار متفاوت بوده و هست. ما آن سیاستها و برخی از سیاست های مشابه دیگر نیروهای "چپ" را یک سیاست و نگاه عمیقا پوپولیستی، دنباله روانه از حوادث، همراه شدن با جنبشهای ارتجاعی، ناسیونالیستی، سبز و دوم خردادی و اصلاح طلبی، تکرار سناریو سال ۵۷، و بلاخره سرمایه گذاری کردن روی کشمکش و شکافهای درونی رژیم ارزیابی کرده و می کنیم. پدیده ای که متأسفانه حکومت اسلامی، به ویژه در عرصه کشمکشهای درونی و مضحکه های انتخاباتی اش، ۳۸ سال تمام است بخشی از مردم و این اپوزیسیون را با آن شگردها و بحرانها و کشمکشهای خود به بازی گرفته است.

ضمن واقعی دانستن کشمکشهای درونی رژیم، آنرا جدال و بحران صفوف یک طبقه و یک رژیم نامربوط به جامعه و کارگر و صف آزادیخواهان می دانیم. و فکر میکنیم علیرغم این واقعیت، جنبش کمونیستی و کارگری به جای اتکا به نقشه و سیاست و سازمان مستقل طبقاتی خود، روی چنین پدیده های اگرسیاست و سرمایه گذاری کند برای آن کمونیزم و جنبش جز سم چیزی تولید نمی کند و به ارمان نخواهد آورد، همچنانکه متأسفانه عوارض

منفی همین نوع موضع گیریهای سیاسی-راستروانه را نزدیک به چهار دهه است داریم تجربه میکنیم و دودش قیل از هر کسی به چشم کارگر رفته است. بیش از سی سال تکرار مکرر و روشنفکر مابانه این نوع ارزیابیهای سطحی و غیر کمونیستی که گویا با این امیدها رژیم سرنگون و یا تضعیف می شود، اصلاح پذیر و رامتر و "بهنتر" خواهد شد، به زودی با فروپاشی روبرو خواهد شد، بجز اینکه مردم را در صف انتظار "سرنگونی" و تا "پیچ بعدی" نگاهداشتن چه دستاوردی بدست آورده ایم؟ آیا بجز تاثیر مخرب هیچ اثر مثبتی در روند پیشرفت مبارزه ما داشته است؟

ما بارها این متد و نگرش پوپولیستی و سنت چپ ۵۷ ی را نقد کردیم و گفتیم این تبلیغاتهای آبکی که "سرنگونی در پیچ بعدی" و هر سال چند بار "چشم انداز سرنگونی و عروج جنبشها" را به مردم قول می دهید، سازمانتان را حول این ترهات پوپولیستی و راست روانه و خرد بورژوازی مابانه "نشه" نگهداشته اید، بی پایه است به نفع رژیم و جنبشهای ارتجاعی و به زیان جنبش طبقه کارگر و تلاش واقعی برای سرنگونی رژیم تمام شده است. تجربه سی سال اخیر حقیقت دیدگاه ما را به ثبوت رسانده است. ما آشکارا اعلام میکنیم که هر اعتراض و حرکت مردمی را تایید نمی کنیم. بخشا انرا ارتجاعی دانسته و نباید حمایتش کرد. از جمله حرکت های ضد مهاجرین و کارگران افغان، حرکت

ارتجاعی جنبش سبز "انقلاب ۸۸"، جنبش "ال اهواز" "جنبش ناسونالیستی فارس و ترک و کرد و عرب زبان"، حکایتهای ناسیونالیسم ارتجاعی فارس کوروش کبیر و تاریخ شاهان ایران، جنبش اسلامی سنی ها و شیعه ها و غیره. جنبشی که "زبان فارسی" را زبان سگ می داند، جنبشی که "کردها" را کوهی قلمداد میکند، جنبشی که "عربها" را سوسمار خور معرفی می کند و غیره. باید دم سیاسی و آرمانی همه این حرکتها را به "مردمی" را به همراه خود جمهوری اسلامی گرفت و به سطل اشغالان تاریخ انداختش!

ما دیپلماسی بازی در سیاست و در خطاب به "توده ها"، و ادعای احترام به "عقاید مردم"، یا به عقاید و فرهنگ ملیتها و غیره را دو دوزه بازی پوپولیستی و یک سیاست فاسد و ضد کمونیستی می دانیم، که متاسفانه در بخشی از چپ اپوزیسیون درست مانند کلیه نیروهای ملی اسلامی و راست در سیاستشان موج می زند. ما بنیاد تحلیل و عملکرد و سیاست بخش عمده این چپ را قبول نداریم و فکر میکنیم نفعی به حال مبارزه آزادیخواه و رادیکال کارگران و مردم مبارز برای خلاصی از دست نکتت این رژیم ندارد. اگر رژیم هم برود این سیاستها ما را به سوی نه آزادی و حکومت کارگری و جامعه آزاد که در جهت تکرار سناریو تلخ استقرار جمهوری اسلامی در سال ۵۷ رهنمون خواهد کرد. ما در مقابل این روند خود را تعریف میکنیم. ما طبقه کارگر و همه آزادیخواهان را به دوری از این سیاستها و اتکا به عمل مستقیم و مستقل انقلابی خود فرامیخوانیم.

"انقلاب"، "سناریو سیاه"

انتظار جامعه، دست نبردن به عمل انقلابی و متوهم کردن جامعه و کارگران به خوش خیالی و سیاستها و تحلیلهای پوچ و سطحی و آخر سر پاشاندن بذر ناامیدی و عدم اعتماد به اپوزیسیون و چپ. وقتی شما اتفاق ۸۸ را "انقلاب" تعریف کنید و با رهبرش موسوی هم "کشتی" نگیرید، و هنوز هم این دیدگاه توده ای-اکثریتی و ارتجاعی را به عنوان "تاز مارکسیستی" بخورد ساده لوحان دهید، روشن است که کل پدیده "انقلاب" و انقلاب کردن را به لجن کشانده اید. ما هر نوع انقلابی را نمی خواهیم! ما ضد این نوع پرچمها و "انقلاب"ها هستیم چون برآستی کل آن روند یک روند مذهبی، ضد انقلابی، ضد آزادیخواهانه، ضد چپی، بی ربط به کارگر و سوسیالیسم بود و هست.

به علاوه به روشنی مستدل کرده بودیم که خطر سناریو سیاه و کشانده شدن "جنگ داخلی" شبیه سوریه و عراق به ایران یک خطر واقعی است. نمی شود این حقایق نگران کننده که در بیغ گوش جامعه قرار دارد، چند کشور را در خون و ویرانی فرو برده است و هیچ نوع آمادگی سازمانی و سیاسی و نظامی هم نداشته باشید برای مقابله و خنثی کردنش نادیده بگیرید و شب روز شیپور "انقلاب" و آن هم از نوع "انقلاب ۸۸" را به صدا در آوری و تصور کنید خیال خود و جامعه را نیز راحت کرده اید!. واقعیت فضا و تناسب قوای سیاسی و طبقاتی در ایران و منطقه این است که چه سناریویی سیاه رخ دهد چه سفید و انقلابی تنها با قدرت مستقیم متشکل کارگران و سوسیالیستها و

ما تحولات سیاسی پیش رو در ایران را بر عکس کلیه چپ موجود اینجوری سر راست نمی بینیم که "مردم انقلاب می کنند"، "طبقه کار به میدان می آید"، "جنبش گرسنگان به میدان می آیند"، "انقلاب گرسنگان شروع می شود"، "چشم انداز سرنگونی هست"، "انقلاب در راه است" و "سرنگونی شیرین" در پیچ بعدی است، "برجام" امد رژیم می رود، هم مرگ آخوند رفسنجانی و هم شرکت کنندگان در مراسم تشیع جنازه آن گویای تضعیف یا رفتن رژیم و علیه آن است! و از نظر "روانشناسی توده ای" روشن است که این بخش از "مردم" نیز علیه رژیم هستند، شرکت در انتخابات هم علیه رژیم تلقی می شود و بلاخره هر نوع تحرکی دیگر در قالب جمهوری اسلامی و پلانفرمهای ارتجاعی و شراکت در تجمعات رژیم نیز سرنگونی طلبانه و علیه رژیم هستند!! ما این دیدگاه و سناریوها را یک ارتجاع محض می دانیم! و بجز رژیم و صف مرتجعین هیچ نفعی برای آزادی و رهایی و خوشبختی جامعه در بر نداشته است!

سالها است به این سیاستها و تحلیل های ملال آور چپ پوپولیست و دنباله رو "مردم" عنوان داستان "چوپان دروغگو" داده ایم و همواره مورد نقدمان بوده است. انرا نه تنها غیر واقعینانه و غیر مارکسیستی دانسته ایم که به زیان روند مبارزه انقلابی و پیشروی طبقه نیز ارزیابی کرده ایم. این چپ با این نوع تحلیل هایش دقیقاً شبیه امثال مجاهد و سلطنت طلب عمل می کند. نتیجه مشترک هر دو طیف کمک به صف

زنان و جوانان و داشتن نیروی مسلح قدرتمند است که میتوان کوچکترین تضمین پیروزی و دست یافتن به اهداف آزادیخواهانه را تامین کرد! در دنیای امروز، و در حالی که چپ مریخی ما جز تکرار کلیشه ای "مبارزه طبقاتی" حرف و نقشه دیگری ندارد برای آماده سازی و مقابله با این واقعیت زنده. در نتیجه تحولات آتی ایران با یا بدون مخاطره سناریو سیاه با پیچدگی بسیار زیادی رو برو خواهد بود. مشخصا پرچم و جنبش و احزاب ملی گرا و فاشیست قومی در کنار کاتگسترهای اسلامی در چهار گوشه ایران همراه با جمهوری اسلامی مخاطرات تحمیل روند غیر انقلابی را در صورت عدم آمادگی سیاسی، سازمانی و نظامی ما و جنبش طبقه کارگر به جامعه ایران تحمیل میکنند و دولتهای مترجع هم حمایتشان می کنند. ما می خواهیم برای این دورههای سخت مبارزه طبقاتی خود را آماده کنیم و در قبال مخاطرات که ممکن است کل جامعه بزرگ ایران را تهدید کند احساس مسئولیت جدی می کنیم! امیدواریم کل اپوزیسیون چنین مسئولیتی را بپذیرد.

انقلاب کی اتفاق خواهد افتاد کسی نمی داند، اما روشن است که ما تنها و تنها برای یک نوع "انقلاب" تلاش می کنیم: انقلاب کارگری، انقلاب سوسیالیستی، انقلاب اجتماعی علیه کلیه نظام موجود با پرچم و رهبری رادیکال و روشن، با حزب و سازمان و نیروی آماده

کارگری و سوسیالیست و پیشرو که به بورژوازی متوهم نیست، دنباله رو نیست، به سرباز جناحهای رژیم و بورژوازی و جنبشهای راست تبدیل نمی گردد. جز این هر شکل دیگری از اعتراض و "انقلاب" خودبخود موردحمایت ما نیست. ضمن برخورد فعال به هر اتفاقی، به عنوان یک نیروی کارگری و مسئول به مردم دروغ نمی گوئیم، ماهیت واقعی اتفاقات را به جامعه و کارگران اعلام خواهیم کرد. چنانچه اوضاع و اتفاقات و اعتراضات معینی به نفع جامعه و به نفع آزادی و برابری نبود می گوئیم مردم در آن شرکت نکنند! ما از هیاهوها و سیستم کودکانه و دنباله روانه و شعبده بازیهای "انقلاب سواری" و "خلق" بیشتر نیروهای چپ و پوپولیستها خوشمان نمی آید.

کدام سرنگونی؟

ما معتقد هستیم به شکل سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی. سرنگونی که آینده و ماحصل آن و سرمایه اش نصیب کارگران و زنان و سوسیالیستها و آزادیخواهانی باشد که ۳۸ سال است سرکوب و تحقیر و گرسنه میشوند و آزادی و امنیت و رفاهشان سلب شده است. مهمترین ابزار تحقق این امر را وجود رهبری انقلابی و فداکار، احزاب رزمنده، "حزب رهبر و سازمانده"، احزاب سیاسی- کارگری و سوسیالیستی و جدی در امر مبارزه انقلابی- سرنگونی، و توصل به قدرت متشکل طبقه کارگر و آزادیخواه، به سازماندهی قهر انقلابی-توده ای، به زورنیروی مسلح و تامین هژمونی سوسیالیستی بر کل روند سرنگونی میباشد. ما این نوع سرنگونی را می خواهیم و از این راهها و مکانیزمها به دنبال

تحقق آن هستیم.

ما دنبال کشمکشهای درونی رژیم نبوده و روی آن سرمایه گذاری نخواهیم کرد، فکر میکنیم "مردم" بخودی خود نیز کاری نمی کنند. به روش تدریجی مبارزه که گویا قدم به قدم جنبشها رشد میکنند و آخر سر همه متحد می شوند و آخر سر انقلاب می شود و ما هم میرویم "انقلاب سواری" میکنیم و به هدف می رسیم، اعتقادی نداریم. ما به این سریال خیالیباقی سه چهار دهه امتحان پس داده شده و بی ثمر هیچ باوری نداریم. ما به سرنگونی از راه دخالت دولتهای غربی و یا از طریق طرح ارتجاعی فدرالیسم ارتجاعی یا به شیوه که امروز در عراق و سوریه به مردم بیدخت آن ممالک تحمیل کرده اند نه تنها اعتقادی نداریم که چنین سناریوی را اوج بربریت و جنایت ضد انسانی قلمداد می کنیم.

بر عکس بخشی از چپ موجود ما معتقد نیستیم که "جنبش سرنگونی" در حال حاضر در میدان است (انها از جنبش سبز تا تشیع جنازه رفسنجانی و حضور جنبشهای ارتجاعی دیگر قومی و مذهبی را همه در کیسه "جنبش سرنگونی" جمع آوری کرده اند) این سیاست یک سیاست کمونیستی - سرنگونی طلبانه نیست! علیه شکل گیری روند واقعی جنبش آزادیخواهانه و خود آگاه طبقاتی و سرنگونی طلبی واقعی و رادیکال است! ما بر وجود خواست سرنگونی و نارضایتی وسیع کارگران و زنان و توده های زحمتکش و جوانان در همه زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و همینطور سرنگونی طلبانه تاکید می کنیم و فکر میکنیم اینها را نباید و نمی توان در یک بسته یکدست

"جنبش سرنگونی" ریخت.

سال ۵۷ در دوره شاه همین کار اشتباه آمیز را کردیم. همه شدیم "جنبش سرنگونی طلب علیه شاه" بدون اینکه بدانیم یا از قبل آماده شده باشیم که چه چیزی جایگزینش می کنیم. بنا به همین دلیل ساده لوحانه اتفاقا انهای که از فرانسه و مسجدهای ایران نظاره گر خون ریختن ما مبارزین و کارگران به دست اوباش رژیم شاه بودند، آمدن سلاحهای همان "ارتش مردمی" و زندانهای شاه را تحویل گرفتن و ما را با آن سرکوب کردند و خود فرمان "جنبش سرنگونی طلبانه مرگ بر شاه" را بدست گرفتند. تکرار دوباره این سناریو در این دوره و زمانه یک حماقت سیاسی بزرگ است! به ما گفتن متحد شوید فعلا شاه برود بعد ش مهم نیست، دیدیم که بعدش هم خیلی مهم و خیلی پرهزینه تر شده است!

ما به صف و پرچم مستقل سوسیالیستی- کارگری و به هدف ایجاد یک جمهوری سوسیالیستی و تحقق یک جامعه آزاد، برابر، مرفه و خوشبخت معتقد و متکی هستیم. تنها و تنها برای به پیروزی رساندن این جنبش و هدف مبارزه خواهیم کرد! در نتیجه امر سرنگونی این حکومت جانی امر خود ما در جامعه ایران، با حزب و پرچم و رهبری رادیکال و سوسیالیستی، با پرچم و قدرت متشکل کارگری، و صف مبارزه آزادیخواهانه، و سرانجام با زور اجتماعی و قدرت مستحکم میلیس توده ای و "ارتش سرخ آزادی" باید کلیت این نظام فاشیست

کارگران جهان متحد شوید!

را از صحنه ایران و تاریخ محو نمود و به ذبیل دان تاریخ انداخت. این ممکن است اگر طبقه کارگر و مخاطبین ما به این حزب و سیاست و اهداف و دورنما پیوندند!

سیاست کمونیستی در جنبش کارگری

در عرصه جنبش کارگری ضمن اینکه خود را حزب کل طبقه می دانیم اما فکر میکنیم رمز پیشروی مبارزه سیاسی اقتصادی کارگر در گرو نقش گرایش رادیکال سوسیالیستی و کمونیستی صفوف طبقه است، در گرو ایجاد تشکلهای و سازمانهای است که متعلق به سنتهای مبارزاتی آن گرایش و جنبش پیشرو مطالباتی و سیاسی جنبش کارگری است، از اینرو سیاست پایه و کلیدی کار ما تقویت محافل پیشرو کارگری و گرایش سوسیالیست امر اول فعالیت حزب ما خواهد بود. در این راستا نقد تشکلهای راست سندیکالیست، تشکلهای ارتجاعی دست ساخت دولت مانند شورای اسلامی، خانه کارگر و انجمن صنفی ها وظیفه محوری خود می دانیم. حزب ما خود محصول این خط و گرایش و از طرف فعالین کمونیست داخل و خارج کشوری این جنبش پیشرو دارد تشکیل می شود. نفس این اتفاق یکی از تفاوتهای بنیادی ما با جریانهای اپوزیسیون چپ خارج کشوری است.

ما برعکس چپ غیر کارگری و پوپولیست حاکم کارگران را دنبال نمود سیه نمی فرستیم، آنها را دنبال انجمن صنفی ها یا

سندیکالیستها نمی فرستیم. به آنها نمی گوئیم به کشمکش درونی رژیم امید ببندید، به قانون کار ضد کارگری و یا فلان ماده در آن امید ببندید، به گرایشات قانونگرا و سندیکالیست و اصلاح طلب امیدوار باشید. تحلیل و امیدهای بورژوائی و غیر واقعی مبنی بر اینکه رژیم دارد می رود، بعداز برجام سرنگون می شود، رفتنش حتمی است و غیره راتحویل نمی دهیم. چون معتقدیم تا خود کارگر و کمونیزم و جامعه کاری نکند هیچ اتفاقی به نفع آنها رخ نخواهد داد! حتی نمی گوئیم تمام قدرت شما در "اعتراضات خیابانی" است، اول مه تان را ببرید در دشت و کوها برگزار کنید! و از آنها عکس بگیرید. چسبیدن محکم به منفعت طبقاتی کارگری علیه کلیه وجوه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و ملی دولت و طبقه حاکمه و جامعه، اتکا صرف به سیاست سوسیالیستی، به تحزب کمونیستی و باور داشتن به اهرم موثر خواباندن چرخ تولید و اعتصاب متحد و سراسری به هدف به زانو در آوردن دولت و سرمایه داران تاکید خواهیم کرد. ما برای تشکل یابی محلی و سراسری با تمام قدرت فعالیت می کنیم. تشکلیابی و تحزب کمونیستی کارگر را رمز پیروزی آن جنبش می دانیم.

حزب سیاسی جدید که تشکیل می گردد نه فقط برنامه و اهداف سیاسی و کارگری روشن سوسیالیستی دارد، حتی از نظر عملی و ترکیب نیروی انسانی تشکیل دهندگان آن نیز جزو احزاب استثنائی است که از طرف کارگران صادق و راستین کمونیست و سوسیالیست و فعالین و جوانان چپ و انقلابی دارد سروسامان می

گیرد، این حزب واقعی طبقه کارگر و محرومان و استثمار شوندهگان جامعه ایران است، پیوستن به آن جای افتخار هر کارگر و کمونیست و انسان رزمنده و انقلابی است!

عرصه بین المللی

در عرصه فعالیت بین المللی نیزما تفاوت داریم با بیشتر احزاب کنونی از جمله جریانات که اکنون به اسم کمونیزم کارگری و حکمتیست فعالیت دارند. نگاه و ارزیابی کلی آنها متکی به همان سیاست پوپولیستی، دنباله روانه، بزرگ نمائی و شعار دهی در فضای سیاسی ایران است که در خارج هم انعکاس داشته است. شما بروید تحلیل های اوضاع بین المللی آنها را در همین یکی دو کنگره اخیر مطالعه کنید تا به عمق بی پایه بودن آنها نیز پی ببرید. نگاهشان به جنبش ۹۹ درصد، به تحولات یکی دو سال اخیر چپ در یونان، اسپانیا، بریتانیا، فرانسه و غیره مملو از تحلیلهای غیر واقعی و کاملاً پوپولیستی و غیر مارکسیستی است. البته تفاوتهای بین موضع گیری آن جریانات هست، یکی در اول خط راست روی و دیگری در انتهای آن خط قرار گرفته است. بجز موارد مانند مبارزه علیه اعدام و انعکاس اعتراضات داخل و اکسیونهای کم اثر علیه رژیم ما شاهد هیچ فشار و اقدام جدی و مستقیمی حتی علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور هم نیستیم. در رابطه با طبقه کار و کمونیستهای کشورهای دیگر نیز هیچ نقشی ندارند. در واقع با دلمشغولی مدیای یا با اکس مسلم، و جنبش برهنه گان، و درست کردن کمپینهای مالی "شخصیت های اجتماعی"، درست کردن انجمنهای قلابی و اقدامات مشابه حزبشان را از این نشست به نشست بعدی

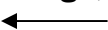
رهنمون می کنند و همیشه هم ارزیابی شان این است: موفق شدیم!

ما در مقابل بر تلاش جدی جهت همبستگی طبقاتی کارگری در سطح بین المللی و جلب توجه کمونیستها و کارگران کشورهای دیگر به موقعیت طبقه کارگرایران تاکید میکنیم و برای جلب حمایت آنها تلاش خواهیم کرد. همچنین ما معتقد به سازماندهی مبارزه جدی علیه کلیه وجوه فعالیتهای رژیم در خارج و ایجاد ممانعت از فعالیت و حضور عوامل مزدور آنها هستیم.

مناسبات و سیستم

رهبری

بیشتر این احزاب سیستم رهبریشان شبیه نظام سلطنتی و پادشاهی است. غیر رزمنده، بی تحرک و ضد انتقادی و به گذشته تعلق دارند. به جای رهبری سیاسی و کمونیستی بیشتر به سبک کدخدا منشانه و پدران شباقت دارند. سالها است به این سنت رهبری کردند اعتقادی نداشته و انتقاد داشته ام. توجیهات مطرح شده شان عقب افتاده تر از روش بورژواها میباشد. تعدادی که در رهبری این احزاب هستند اگر سر سوزنی مسئولیت پذیر بودند به دلیل بارها شکست سیاسی، بارها تحمیل مستقیم انشعابات به هم حزبی های خود، و تحمیل فشار ناروا و غیر سیاسی و گسترش فرهنگ عقب افتاده درون حزبی شان، می بایست چندین باراستعفا میدادند. حداقل مانند یک حزب یا دولت بورژوائی که مقامش خطا میکند، شکست سیاسی می خورند، در انتخاباتی



حزبش می بازد، برای حفظ اعتبار و حرمت دولت و حزبش نیز بوده کناره گیری می کردند. اما این "رهبران" چپ و راست ایرانی و شرقی انچنان خود شایسته اند، انچنان بر اراده بی اراده طیفی از "اعضا" سرمایه گذاری میکنند، چنین انتظارهای از آن سنت انتظار بسیار بیهوده ای است. رهبری کردن بدون بازخواست و بدون حد و مرز و زمان جز مخاطره و فساد و تقویت سبک کار قلدنرمنشانه و غیر کمونیستی هیچ حاصلی نداشته و نخواهد داشت!

ما می خواهیم از بیخ با این سنت عقب افتاده مرزبندی کنیم، اولین اقدام ما تلاش جدی برای تصویب قوانین جدیدی در کنفرانس پیشروی موسس حزب است که در آن به هر فرد فقط اجازه داده میشود که حداکثر در فاصله دو کنگره، (چهار سال) در پست های کلیدی رهبری حزب میتواند ماندگار باشد. علاوه بر اینها، وجود تبعیضات، امتیاز دهی سازمانی ویژه به برخی "شخصیت" ها و سنتهای عقب افتاده مشابه را باید ریشه کن کنیم. پایان دادن به چشم پوشی تبعیض آمیز از خطاهای مسئولان و "رهبران" و غیره اقداماتی است که می خواهیم با سنت غالب بر چپ تماما مرزبندی کنیم. حزب آتی ما حزب باج گرفتن فرد از حزب و زورگوئی حزب بر فرد نمی تواند باشد. حزب قانون شکنان، حزب رهبران مادام العمر، حزب شخصیتهای با حقوق ویژه، حزب اعمال تبعیضات

سازمانی، حزب ایجاد محدودیت سیاسی برای نظرات متفاوت، حزب نسبییت سیاسی، حزب محفل بازی و رفیق بازی، حزب پیچ پیچ کردن پشت سر افراد، حزب بی حرمت کردن و توهین و بدهنی و بی نزاکتی سیاسی و غیره نه تنها نیست، نباید باشد و نمی گذاریم باشد!

همینجا اکیدا از همه می خواهم در این راستا فعالیت کنند، خود را با این جهت درست و انقلابی و سیاسی همسو نمایند! از هم رفقای گرامی می خواهم با دیدن اولین نشانه و عارضه های این رفتارهای غیر کمونیستی و غیر سیاسی و شکننده مطلقا آنها تحمل نکنند و به مقابله با آن بپردازند، هر فردی چنین رفتار نکند و خود را اصلاح نکند با کمال احترام باید صف ما را ترک نماید! حزب ما حزب کار انقلابی، حزب صداقت، حزب آزاد اندیشی، حزب با دیسپلین و رزمندگی، و حزب رفتن به گود مبارزه عملی، سیاسی، اقتصادی و نظامی علیه سرمایه داری و جمهوری اسلامی باید باشد! ما این نسل از کارگران، جوانان، زنان، و مبارزین راه آزادی و سوسیالیسم را به صف و ایجاد چنین حزبی خود فرا می خوانیم!

شفافیت مالی

در غیاب یک سیاست و قوانین روشن و استاندارد، هیچ چیز به اندازه پول و دیگر اموال مرتبط به حسابداری در سوخت ساز مبارزه مشترک و متشکل، در جریان فعالیت سیاسی و انقلابی در یک حزب سیاسی کمونیست فساد ایجاد نمی کند. هر چند جریان ما از گذشته تا امروز همیشه کیسه اش تقریبا خالی بوده است. در هر صورت وقتی قانون و استاندارد و حساب و کنترل نباشد، وقتی اموال و مکانیزم مالی و دارائی حزب

بی درویبیکر باشد، میتواند ایجاد مشکل و عدم اعتماد کند. بارها و بارها در جریانات مختلف این تجربه های تلخ تجربه شده است. شخصا هیچ وجهی از "فعالیت های مالی" کنونی ناظر بر جریاناتی که حداقل انهای را که در پروسه سی-چهل سال اخیر از نزدیک شناخت دارم، نه شفاف دانسته ام و نه اصولی و نه در سطح حتی استانداردهای موجود جامعه بورژوائی. دو سال پیش سند مالی بسیار روشنی را در حزبی که آنرا اخیرا ترک کردم تهیه کرده و با اتفاق ارا پلنوم آن حزب نیز تصویب گردید، اما سنت و منفعت های خاص حاکم بر آن جریان حتی یک بند هم از آن قوانین و مقررات را اجرا نکردند، و خود این مانند دیگر بی مقرراتیها متعدد موجب نگرانی های زیادی شد و این داستان اکنون بدون مانع و با قدرت بیشتری همچنان ادامه دارد.

ما باید حزبی داشته باشیم از نظر سیاست مالی و سازمان و مناسبات مالی، سیستم حق عضویت و کمک مالی گرفتتها و غیره نیز صد درصد شفاف، متکی به سند و قوانین مصوب و استاندارد باشد.

چگونگی برخورد به

مخالفین سیاسی درون حزبی

هیچ چیز از این کمونیستی تر، سیاسی تر و اصولی تر نیست که بدون قید و شرط فضای آرام سیاسی و امکانات سیاسی و سازمانی برابر برای مخالفین سیاسی صفوف حزب باید تامین و تضمین گردد. اما متاسفانه هیچ چیز هم از این روشنتر نیست که در سنت چپ موجود و از جمله احزابی که من با آنها تجربه فعالیت داشته و از آن جدا

شدم به حکم حاکمیت فرهنگ و سنت عقب مانده در سیستم رهبری شان، به ویژه وقتی که موقعیتشان در خطر می افتد، سر سوزنی به چنین پرنسیب اولیه کمونیستی اعتقاد ندارند. منشا هشتاد درصد جدائیها و انشعاباتها نیز از همینجا سرچشمه گرفته است. متاسفانه حتی این فرهنگ و سیستم حاکم بر بیشتر نیروهای چپ عقب تر از مناسبات و سوخت و ساز کشمکش درونی نیروها و دولتهای بورژوائی است.

نه فراکسیون درست کردن، نه دادن امکانات مشترک موجود حزبی به منتقد، نه تشریه، نه تلویزیون، نه پرهیز از رفتار غیر محفلی در انتخاباتها، در آن سنت معنی زمینی و واقعی ندارد. در هیچ جائی به شیوه ای برابر و با انصاف و رفتار مسئولانه و کمونیستی به منتقدین سیاسی و به کسی که در دایره محفلی آنها خارج گردد برخورد نشده و نخواهد شد. شما حتی صف آن احزاب را هم ترک کنی و مخالفشان باشی اگر امکان و قدرتش را داشته باشد حرمتی برایت باقی نمی گذارند! یا رهبریشان مستقیم برایت پرونده سازی میکند یا از طرق های زیر زمینی و غیر مستقیم و مامور کردن اشخاص ثالث، مثلا عضو یا هودارانی مقاله و تکست و فضای منکوب کردن شما را سازمان می دهند. یک روش کاملا شنیع و شرم آور!

ما از دست این فرهنگ فرار کرده ایم، آنرا غیر انسانی و غیر کمونیستی می دانیم، می خواهیم حزبی ایجاد کنیم که همه بدون هیچ محدودیتی و با استفاده از کلیه امکانات

حزبی بتوانند نظرات متفاوت سیاسی و نقد سیاسی خود را در درون و بیرون حزب بیان کنند، در عین حال روشن است همه به امنیت، به قوانین مصوب و موازین مشترک و مدون اساسنامه ای کل حزب پایبند خواهیم بود. ما از این زاویه نیز یک حزب کاملا متفاوت سیاسی و مدرن سوسیالیستی ایجاد خواهیم کرد!

اهمیت جایگاه زنان و جوانان در حزب

ما می خواهیم به حضور زنان و جوانان در کل فعالیت های حزب اهمیت ویژه تری بدهیم، نظر شخصی من این است که کلیه پستهای کلیدی و کمیته های حزبی باید دبیر و معاون داشته باشند، یکی از اعضای دوتفره این پستها زن و یا جوان باید باشد، طبعا به ظرفیت و آمادگی افراد هم باید توجه داشت، امیدوارم این نسل خودشان گام جدی در جهت تحقق این هدف مهم در حزب بردارند. همه زنان و جوانان را به صفوف حزب فرا میخوانیم! در جهت تسهیل این سیاست در این مورد هم قراری به کنفرانس موسس حزب ارائه خواهیم کرد.

حزب صرفا خارج

کشوری نخواهیم بود
باید تاکید کنم که ما نمی خواهیم صرفا یک حزب خارج کشوری باشیم، متاسفانه نمی توانم در سطح علنی فعلا بیشتر توضیح بدهم، چنانچه روند پیش رو به درستی به سر انجام برسد یک حزب سیاسی و

کارگری به معنای دقیق کلمه مرتبط به جامعه شکل خواهد گرفت. در این زمینه نیز با بقیه متفاوت تر خواهیم بود. در هر صورت ما نمی خواهیم یک حزب صرفا خارج کشوری و صرفا متعلق به مبارزین علنی در خارج کشور ایجاد کنیم.

نیروی مسلح

در سوال بعدی کاملتر به این مهم خواهم پرداخت. در اینجا اکتفا میکنم به این چند نکته: تفاوت دیگر ما با جریانات موجود به عرصه مسلحانه بر می گردد، ما وجود میلیس و نیروی مسلح سازمانیافته وسیع و قدرتمند را در تحولات امروز و فردای ایران و در شرایطی که شاهد افسارگسیختگی و کانگستریسم بازی دولتها و نیروهای ارتجاعی در منطقه هستیم، یک ضرورت فوری و مبرم تاریخی مبارزه خود می دانیم. معتقد هستیم بدون برخورداری کارگر و کمونیسم و صف آزادیخواه از بازوی مسلح سوسیالیستی خود، بورژوازی و ارتجاع ملی و اسلامی هیچ امکانی برای حضور و نقش آفرینی طبقه کارگر و کمونیستها و زنان و جوانان مترقی و سوسیالیست نخواهند داد. در کنار قدرت متشکل و متحزب کارگر و صف آزادیخواهان، در کنار ضرورت اعتراض و اعتصاب گسترده کارگری و توده ای، در کنار ضرورت داشتن افق و برنامه و مطالبات روشن سوسیالیستی، وجود یک نیروی مسلح متعلق به این اهداف و جنبش بسیار حیاتی است. در جامعه ایران و آن منطقه شواهد و تجربه نشان داده است که به دلیل عدم حضور چنین نیروئی حتی پیشرفت سیاسی و عروج مبارزه جنبشهای کارگری و رادیکال و اجتماعی و روی اوری و اعتماد و اتکای جامعه

به تحزب و احزاب سوسیالیستی و کمونیستی اپوزیسیون کند تر و تضعیفتر شده است. هم برای کسب پیروزی و هم حفظ قدرت و دستاوردهای پیروزی باید نیروی مسلح جنبش خودت را داشت! نیروهای چپ موجود هر ادعای هم که دارند یا به این روند و سیاست و ضرورتهای که میگویم عقیده ای ندارند و اهل عمل نیستند، یا انهای هم که به آن توجه دارند هنوز در فاز چریک بازی و سنت ناسیونالیستی "پیشمرگ" فریز شده اند. فاز و سنتهای که نمیتواند برای حزب و جنبش سوسیالیستی ما نقش مثبتی در این برهه از مبارزه طبقاتی ایفا کنند.

برنامه، اساسنامه

بروز اختلاف سیاسی بین احزاب و انشعابات نه امروز و نه در گذشته هیچگاه حول برنامه یا اساسنامه نبوده است، بلکه در نحوه برخورد به روندها و تحولات سیاسی، اتخاذ تاکتیکهای درست یا نادرست حول تحولات پیش آمده بوده است. اما مشکل اصلی تر نه وجود آن اختلافات، که نحوه چگونگی برخورد به بروز اختلافات سیاسی در یک حزب معین و رفتار دلخواهانه و "نسبیت سیاسی" باموازین اساسنامه ای در جریان مقابله با مخالفین سیاسی درون حزبی است. واقعا برنامه و اساسنامه "بی گناه" بوده است. چنانچه اختلافات و جدائیهای صورت گرفته حداقل در دو-سه دهه اخیر را از سر اختلاف "برنامه"ی توضیح دهیم برخورد کاملا اختیاری و غیر تاریخی و غیر مستند به رویدادها کرده ایم.

برنامه حزب جدید ما بی تردید

در جهت اهداف و استراتژی و سیاستهای که تا امروز اعلام کرده ایم خواهد بود و چنین هم هست. سندهای سیاسی و اهداف و اولویتهای که قرار است در کنفرانس موسس حزب تصویب کنیم در راستای همین اهداف برنامه ای خواهد بود. این اهداف و استراتژی در کلیت خود منطبق و در راستای "مانیفیست کمونیست" و برنامه "یک دنیای بهتر" و اصول سازمانی است که تا دوره حکمت در دستور قرار گرفته بود. از اینرو برنامه امروزی ما همان است که تا دیروز حول آن پرچم کمونیستی برداشته بودیم و نقد داشتیم که: دیگران اتفاقا با "پرچم سبز"، سیاست انفعالی، آرمان "حقوق بشری"، "انقلاب انسانی"، "جنبش خلق کرد"، "فدرالیسم دمکراتیک روزهوا"، با عروج و گسترش سنتهای فرقه ای و جاری کردن آشکار خط و سیاست راست و پوپولیستی و بعضا ناسیونالیستی در تحولات سیاسی ایران و منطقه روی خود آن "برنامه" های کمونیستی خط بطلان کشیده اند بدون اینکه علنا اعلامش کنند.

ما به این تئوریهها و اهداف و پرچم سیاسی و برنامه ای که گفتیم کاملا متعهد هستیم و این مبنای سیاسی و فکری مبارزاتی ما خواهد بود. وقتی میگوییم از صفر شروع نمی کنیم، علاوه بر اتکا به سرمایه بزرگ تجاربهها و تواناییهای فردی و جمعی مان، منظورمان دقیقا وجود همین جنبه نظری، فکری، سیاسی و برنامه ای است که پشتوانه محکم ما برای ایجاد یک

حزب سیاسی جدید است. این مبانی مارکسیستی را که تعدادی آنرا در تاقچه بایگانی کرده اند و سرگرم کار دیگری هستند میخواهیم از زیر آن گردو غبارها بیرونش بکشیم و ببریمش تو میدان واقعی نبرد طبقاتی و کمونیستی علیه بورژوازی و ارتجاع، اما با روش رهبری و روحیه و سیاستهای بهتر و مدرن و امروزی و انقلابی تر. در نتیجه من شخصا امروز هیچ مشکل برنامه ای برای حزبی که در صدد درست کردنش هستیم ندارم. اساس و محتوای "دنیای بهتر" اساس و محتوای حزب ما هم هست!

درعین حال شخصا به "بازبینی" و نگاه مجدد به برنامه "یک دنیای بهتر"، یا به "مانیفست کمونیست"، یا هر برنامه ای دیگری نه تنها هیچ گونه حساسیتی ندارم که حتی ضروری می دانم مجدداً به آنها فکر کنیم. دوباره آنها را بادقت بیشتر مرور و مطالعه کنیم. حاضرم به هر نظر منطقی سیاسی و علمی که خواهان تغییر گوشه های از آن باشد گوش فرا دهم. تا این لحظه بحث سیاسی و مستند در این زمینه ندیده و نشنیده ام. با این وجود، همچنانکه گفتم، نه تنها هیچ ایراد اصولی نمی بینم که در مواردی از جمله در بخش مطالبات میتوان آنرا مجدداً بررسی کرد، ابدیت کرد، به روزتر کرد، شاید لازم باشد بندهایی به آن اضافه یا کم کرد. با دقت و فرصت کافی و حتی بحث درونی و شاید علنی حول آن برگزار کرد. سمینارهای متعدد در نقد یا دفاع از تغییرات

احتمالی مورد نظر بسیار ضروری است. نقد یا تدوین یک برنامه کمونیستی برای یک حزب کمونیستی را باید جدی گرفت. احزابی بوده اند که سالها بعداز تشکیل حزبشان حتی برنامه تدوین کرده اند. نیازی به هیچ عجله کاری و کم دقتی در این زمینه ها نیست.

اما این نکته روشن است که اسم و رسم و آرم هیچ کدام از این جریانات را برای خود حمل و انتخاب نمی کنیم، برنامه "یک دنیا بهتر" هم با مقدمه ی جدیدی و حتی تصویب قرار ی در این زمینه میتواند به عنوان مینا تا کنگره اول در نظر گرفت. کنفرانس تاسیس حزب که در یکی دو ماه آینده برگزار می گردد، با تعیین کمسیون منتخب و مناسبی برای این امر تلاش خواهد کرد تا مقطع کنگره اول حزب، بعداز طی کردن پروسه منطقی مباحثات مربوط به برنامه و اساسنامه، این اسناد را برای کنگره آمده تصویب نماید. یعنی در کنگره اول برنامه و اساسنامه حزب را آمده و به تصویب نهائی خواهیم رساند.

"کمتر حرف بزنینم بیشتر عمل کنیم"

ما میخواهیم بیشتر به عنوان یک حزب پراکتیکی و انقلابی عمل کنیم و شناخته شویم، اتخاذ سیاست درست و تبلیغات و کار آگاهگرانه و حرف زدن حتماً لازم و ضروری و تعطیل ناپذیر است. اما بدون حضور فعال در میدان عمل و دست بردن به اقدامات جدی علیه جمهوری اسلامی و نیروهای ضد آزادیخواه کار تبلیغی صرف، هر چند رادیکال و خوب، نمی تواند مسیر درست واقعی خود را طی کند و به ثمر برسد و جلب توجه کند. از مجرای پراکتیک انقلابی کردن

است که میتوانیم حتی گوش شنوای بهتری برای تئوری و کار نظری جنبشمان هم فراهم کنیم. من طرفدار جدی این پراکتیک انقلابی هستم. حزب ما از لحاظ نظری- تئوریک کمی ندارد. سرمایه عظیمی برای عملی کردنش داریم! متأسفانه بیشتر نیروهای که خود را کمونیست می دانند در به سر انجام رساندن جدی نقشه ها و انجام فعالیتهای عملی به شدت کم آورده اند. حرف زدن صرف و نصیحت کردن مردم شده شغل حرفه ای و مستمر بیشتر آنها. سنتی که ماها هم در آن آمده ایم نیز با این ضعف و خلا بزرگ مواجه بود و هست. ما باید به این ضعف نیز پایان دهیم!

شخصاً هیچ علاقه ی به کار مشترک با احزاب و افرادی ندارم که در این دوره و زمانه تعجیلی برای فعالیت عملی جدی و انقلابی علیه وضع موجود و جمهوری اسلامی نداشته باشد! حزبی که به همراه رفقای زیبای در تلاش برای شکل دادنش هستیم، آرزو دارم و میخواهم حزبی باشد که "کمتر حرف می زند اما بیشتر پراکتیک می کند". پراکتیک انقلابی حول همین سیاستها و اسناد و اهدافی که امروز داریم و فردا به مصوبه حزبمان تبدیل می گردد. هم اکنون در اقص نقاط ایران و همچنین در کشورهای اولیه و نسبتاً خوب و رو به جلوی داریم، این حضور و تشکیل این حزب باید به یک تحرک گسترده کمونیستی و عمل انقلابی در همه جا تبدیل گردد.

هر فعال این حزب و این جنبش خودش را مسئول میداند که شبانه روز برای اهداف و سیاستهای مشترکمان کار کند،

همه فعالین و دوستان و همه هم طبقه ای هابیم را به این تلاش مشترک و فعالیت جدی و عملی فرامیخوانم. کارگران، جوانان زنان، آزادیخواهان! بیایید با هم در این میدان عمل انقلابی نقش خود را تعریف کنیم، بیایید با هم یک حزب بزرگ سیاسی، یک حزب سوسیالیست انقلابی، یک حزب اهل عمل و جدی در دست بردن به کار میلیتانت و مصمم در تسریع روند سرنگونی رژیم وحشی حاکم بر ایران را تشکیل بدهیم، بیایید! ما می توانیم!

اگر کسی می گوید تفاوت شما با بقیه چیست در یک کلمه می گویم: پراکتیک انقلابی! این مهمترین گذر ما از سنتهای مرده و مشغله های بی فایده موجود در بیشتر احزاب اپوزسیون و چپ نیز هست. امیدوارم با گرد آوری نیروی قابل توجه

تحرك بیشترى به اين پراكتيك متفاوت و انقلابى و سوسياليستى در جهت سرنگونى رژيم جنايتكار اسلامى و رسيدن به ازادى و برابرى و سوسياليسم ايفا كنيم. جز اين راه و اميد، راه و اميد بهترى پيشاروى خود نداريم!

سوسياليسم امروز: در حزب شما نيروى مسلح و مبارزه مسلحانه چه جاىگاهى دارد؟

سلام زيجى: مساعد ترين شكل مبارزه طبقاتى براى حزب و جنبش ما عدم حضور و ضرورت هر شكلى از نيروى مسلح است! اما ما كمونيستهاى واقع بينى هستيم و كلا سرمان نمى رود. به تحولات و نيروها و دولتهاى كه با ان سر كار داريم، و به رژيم وحشى چون جمهورى اسلامى هيچ توهمى نداريم. بر اين حقيقت ساده واقف هستيم كه همه شان از سك وحشى وحشيانه تر عليه كارگر و كمونيزم و ازادى زن و فعاليت بدون قيد و شرط سياسى و رفاه و امنيت جامعه عمل کرده و خواهند كرد. آنها همه شان مسلح اند عليه ما و جنبش براى ازادى و برابرى!، براى حراست از حاكميت قاتلان و جنايتكاران تاريخ! براى حراست از تداوم سيستم جنايتكارانه كار مزدى! و براى تداوم حاكميت يك اقليت مفت خور بر اكثريت جامعه! براى پيشگيرى از رسيدن كارگر و زحمتکش به نظام حكومتى خودش! در نتيجه عليه رستم ميل واقعى خودمان بحث كردن

از نيروى مسلح و ضرورت سازمان دادن نيروى مسلح براى جنبش سوسياليستى و كارگرى و صف ازادخواهان به يك عرصه مهم و يك ضرورت سياسى و غير قابل انكار مبارزه طبقاتى و ازادخواهانه ما در كل جامعه ايران تبديل شده است.

در نتيجه پاسخ من به سوال شما روشن است: بله اين عرصه جاىگاه مهمى در فعاليت ما خواهد داشت. مانند هر عرصه ديگر مبارزه طبقاتى ما در جامعه ايران و عليه طبقه حاكمه و جمهورى اسلامى. اما سازمان مسلح مورد نظر ما در شكل و در چهار چوب سنتهاى تاكنونى كه تحت عنوان "مبارزه مسلحانه" در جامعه شناخته مى شوند، سازمان پيدا نخواهد كرد. قبلا به روشنى آن سنتها را نقد کرده ايم، آن سنتها را قبول ندارم. ما سنتهاى متكى به سياست خود، سنت و اهداف سوسياليستى را در اين عرصه نيز جارى خواهيم كرد. ترديدى نداريم كه اين رژيم با زبان خوش و با ادعاهائى پوچ اصلاحات و تغيير از درون و از مسير "به هم پيوستن جنبشهاى اعتراضى اجتماعى و مدنى" گورش را گم نخواهد كرد. برعكس سياست بخشى از چپ، سياست ما حول سرمايه گذارى روى كشمکش جناحهاى بندى صفوف رژيم و يا اينكه "مردم به ميدان مى آيند" و يا دخالت غرب و غيره نيز نيست و هرگز چنين نخواهد بود.

ما ضمن اتكاي جدى به تعميق راديكال مبارزه طبقاتى و سياسى و رودرو با حاكميت به تعميق مبارزه سياسى و اقتصادى كارگران عليه دولت و سرمايه داران، به انجام مبارزه قهر آميز واعمال قهر انقلابى عليه اين حاكمت باور جدى

داريم. ما معتقديم خطر سرايت سناريو سپاه به ايران و وجود ظرفيت سناريو سپاهى در بخش قابل توجه اى از نيروهاى اپوزيسيون ملى و اسلامى تحولات آتى ايران را پيچيده تر و پر مخاطره تر از آن تصورات كودكانه و پوپوليستى چپ خواهد كرد. حزب ما و ضرورت نيروى مسلح كه ما بر آن تاكيد داريم علاوه بر وجود مخاطره خود رژيم و ضرورت مبارزه قهر آميز با آن، به اين مخاطر واقعى هم توجه جدى دارد و خودش را براى چنين اتفاق احتمالى از هم اكنون آماده نمايد. بنظر من جنبش چپ و كارگرى مى بايست سالها پيش چنين ابزارها و مكانيزمهاى را نه در حرف كه در عالم واقعيت سازمان مى دادند. اكنون از نظر زمانى و تناسب قوائى موجود در اين زمينه نيز زمان به شدت به زيان جنبش ما تمام شده است. بايد با سرعت آنرا جبران نمود.

حكومت سرمايه داران فاشيست مذهبى كه ۳۸ سال تمام است با سرکوب و اعدام و زندان و كشتار و ايجاد فضاى سرکوب و به حيات ننگين خود ادامه داده است، نه تنها عليه ما كارگران و كمونيستها و طرفداران ازادى و برابرى با زبان اسلحه و سرکوب خشن رفتار کرده، كه بعضا در قبال ياران جنايتكار ديروز و امروز صفوف خودشان نيز با زور و سرکوب و زندان پاسخ داده است. از اينرو هر نيروى كه مخالف دست بردن مردم و ما اپوزيسيون كمونيست و انقلابى به اسلحه در مقابل چنين رژيمى باشد اگر مرتجع و عامل مواجب بگير رژيم نباشد يك سياستمدار ساده لوح و جز قربانيان دست حاكميت يا اپوزيسيون بورژوائى است.

وقتى طرفداران پشت مخالفين "مبارزه مسلحانه" را نگاه ميكنيد، امثال حزب توده و اكثريت را مى بينيد، بخشى از ناسيوناليسم كرد و شاخه اصلاح طلب و بخشى از خود جمهورى اسلامى يعنى جناح دوم خرداد و سبز آنرا مى بينيد، بيرون راندهاى درون حكومت و بخشى از سلطنت طلبها را مي بينيد كه دل خون دارند از واژه هاى چون "انقلاب"، "قهر انقلابى"، "ازادى"، "برابرى"، "سوسياليسم" و دقيقاً مثل جمهورى اسلامى نگرانند از اينكه مردم دست به اسلحه ببرند. آنها به اندازه جمهورى اسلامى طرفدار ارگانهاى سرکوب جامعه مانده ارتش و سپا پاسداران هستند. ميدانند اگر زمانى كارگران و احزاب سوسياليست و مردم ازادخواه مسلح شده باشند نمى توانند به آسانى مانند دوره ۵۷ آنان را سرکوب و مرعوب و قتل عام کنند و قدرت سياسى و دولتى را از آنان بگيرند.

در دوره اخير هم، از جمله در جريان سمينارهاى كه برگزار كردم، هر گاه ما از ضرورت مبارزه قهر آميز، از عمل انقلابى و ميليتانت، از ضرورت و مشروع بودن دست بردن جامعه و حزب به اسلحه در مقابل چنين رژيمى صحبت کرده ايم تعدادى "مبصر" چپ دور شده از هر شكلى از عمل انقلابى پيدا ميشدند و ما را نصيحت مى كردند. هنوز هيچى نشده ما را مى ترساندند نه نميشه، اين ادامه فلان سنت است، به زبان مبارزه سياسى است، و غيره. پاسخ سر راست من به همه اينها اين است: خير ما به اين عرصه اهميت مى دهيم، طبقه كارگر و سوسياليستها و

انقلابیون آگاه به آن اهمیت می دهند. حزب جدید باید و موظف است وارد این میدان هم بشود و برایش نقشه و برنامه دقیق و سنجیده داشته باشد، و داریم!

جمهوری اسلامی و بورژوازی حاکم در ایران در طول حیات خود تلاش کرده، طبقه کارگر به کمونیزم مسلح نشود، به تشکیل دست پیدا نکند، به حزب کمونیستی اش ملحق نشود، به ارکان ارتجاعی و ایدئولوژیکی بورژواها مانند مذهب و ملت پرستی پشت نکند، به اهداف سیاسی و اقتصادی نائل نگردد، به کسب قدرت سیاسی و دولت کارگری خودش فکر نکند، به ابزارهای کارگر و سوسیالیسم را به قدرت می رساند دست نیابد، به ابزارهای حتی دفاعی خود نیز نباید دسترسی پیدا کند، یعنی خلعت از هر شکلی از مکانیزم متشکل شدن و ابزارهای قدرت و تحرک انقلابی، تحمیل چنین موقعیتی به صف ما شرط بقای جمهوری اسلامی و هر حکومت سرمایه داری است.

متأسفانه جمهوری اسلامی و اوباش آن موفق شده اند در رابطه با همه این عرصه ها به طبقه کارگر و صف چپ و جنبش کمونیسم کارگری ضربه وارد کنند. جامعه و ما را از طریق اسلحه سرکوب کرده و هر شکلی از مبارزه سیاسی و "قانونی" را سلب کرده اند. حتی ما نه حق تشکل و تحزب داریم نه حق دست بردن به اسلحه برای پس زدن نیروهای مزدور و

سرکوب دولتی! به ما فقط حق زندگی بردگی داده اند! اما ما به آنها میگوییم غلط می کنید! میگوییم شما را سرنگون می کنیم، باید اینکار را کرد!

هر گاه کارگران و انقلابیون سوسیالیست دست به مقاومت میزنند، دست به اسلحه میبرند، اقدام انقلابی انجام می دهند، شهادت اسم خشونت طلب بر پیشانی ما می چسباند، در حالی که تمام تاریخ، تمام دولتها، تمام جنگ و خونریزیها، تمام زندانها و اعدامها مال آنها و به دست آنها صورت می گیرد. و برخورد آنها به ما و جنبش ما به قدمت تاریخ ننگینشان مملو از خشونت و سرکوب و کشتار و اعدام و ترور و وحشی گری بوده و هست. ما اعلام میکنیم با این اوضاع مقابله می کنیم، قبول نخواهیم کرد، این تفاوت اولیه و پایه ی ما با بقیه جریانات ابوزسیون هم هست. ما حزب عمل انقلابی هستیم، می خواهیم چنین باشیم، سی و هشت سال جنایت و بربریت و قتل و آدمکشی و استثمار و تجاوز و نابود کردن صدها هزار انسان در جامعه ایران بدست کثیف جمهوری اسلامی از ما می خواهد که باید چنین مبارزه و ابزارهای سازمان دهیم و این نظام جانی را سرنگون کنیم! اگر کمونیسم، اگر مبارز و آزادیخواهیم. باید آن حساسیتی که رژیم به کل پروژه کمونیست ها دارند و برایش نگران کننده است را با دست بردن به ابزارهای قدرت طبقاتی خود، منفعتش را بیش از پیش به خطر به اندازیم و علیه خودش به کار ببریم. ما دقیقاً باید خلاف جریان عمل کنیم، خلاف تمام قواعد و قوانین و منفعتهای جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای اسلامی و قوم پرست. هر کاری آنها به ما بگویند نکند ما برعکس باید

بیشتر به اجرا کردنش اصرار ورزیم!

وقتی ما از میلیس توده ای، سازمان مسلح، ارتش سرخ آزادی، مقاومت مسلحانه و ملیتانت و غیره بحث می کنیم مطلقاً سر سوزنی به معنای جایگزینی آن با تشکل کارگری و هیچ تلاش و مبارزه سیاسی و اجتماعی دیگری نیست. این بحث آنهای است که در پوشش کارگر پناهی کردند یا انهای که بطور کلی سیاست و مبارزه را ترک کرده اند و بازنده دست جمهوری اسلامی اند، به این شکل نقش بی نقشی خود را توجیه می کنند. با این ترندها عملاً کارگر و کمونیسم را از دست بردن به ابزارهای قدرت و کسب قدرت منع میکنند. اینها خیلی "دمکرات" و "خشونت گریز" هستند. اما کمونیستها و کارگران مبارز درست بر عکس این نظریات ضد کارگری و بورژوائی باید عمل کنند. اینها همیشه چنین کرده اند و همیشه هم با این ترندهای "تئوریک" تو خالی و ضد کارگری به بقای دولت و بورژواها در میدان عمل مبارزه سیاسی و طبقاتی خدمت کرده اند. بخشی از بقای تاکنونی چنین رژیم فاشیستی اسلامی محصول این سیاست بازان منزله طلب بی مایه در تحولات سیاسی ایران در میدان نبرد واقعی برای سرنگونی این رژیم جانی میباشد.

همچنانکه گفته شد، عرصه توده ای-مسلحانه، و یا "مبارزه مسلحانه" تنها یکی از عرصه ها و رکن مبارزه ما است، نه کل سیاست و هدف ما! آزادیخواهان و جوانان سوسیالیست و علاقمند به این عرصه را فرا میخوانم به این مهم فکر کنند و به این تلاش ضروری ملحق شوند، در محل کار و زیست خود در فکر

تدارک سازماندهی خود در این زمینه باشند، ما را از نظرات و پیشنهادات خود با خبر کنند، از راهایی بسیار مطمئن با ما تماس بگیرند. روشن است که باید با حساسیت و اتکا به روش و ابزارهای مناسب امنیتی این موضوع را دنبال کنند و باید به مخاطرات آن کاملاً واقف بود. هر اقدامی باید صد درصد مخفی، و در هماهنگی از پیشی با ما صورت بگیرد. در کنفرانس موسس حزب و بعد از آن تصمیمات روشنی حول این عرصه گرفته خواهد شد.

همینجا لازم به تاکید است اعلام کنیم که ایجاد نیروی مسلح و تاکید درست ما بر ضرورت داشتن نیروی مسلح به معنی اقدام فوری مسلحانه در فضای سیاسی کنونی و علیه رژیم نیست! ما اکنون چنین تصمیمی نداریم که بلاواسطه وارد اقدام نظامی علیه رژیم شویم. هر گاه بنا به ضرورت مبارزه طبقاتی و سیاسی به این نتیجه برسیم تصمیم و سیاست خود را به جامعه اعلام می کنیم. پیش به سوی ایجاد یک سازمان توده ای مستحکم و قدرتمند نیروی مسلح سوسیالیستی!

پیش به سوی

تشکیل حزب انقلابی و سوسیالیستی





رحمت فاتحی

تفاوت این حزب با احزاب دیگر اساسا در جسارت سیاسی عمل انقلابی آن است

سوسیالیسم امروز: تفاوت حزبی که شما در حال تشکیل آن هستید به لحاظ سیاسی، ساختار تشکیلاتی، رهبری، برنامه، اساسنامه و عملی با احزابی که به نام کمونیست و یا کمونیست کارگری فعالیت میکنند چه میباشد؟

رحمت فاتحی: حزبی که قرار است تشکیل شود از نظر من لازم است که در سه سطح با احزابی که به نام کمونیست فعالیت میکنند، متفاوت باشد: به لحاظ سیاسی، پراکتیکی، ساختار تشکیلاتی و رهبری تلاش میکنم به صورت کوتاه در رابطه با هر کدام از آنها نظرات خودم را بیان کنم.

تفاوت سیاسی

واقعیتش این است اگر به برنامه و شعارهایی که این احزاب دارند مراجعه کنید در سطح عمومی تفاوت چندانی با هم ندارند، همه آنها حداقل به صورت نوشته و در حرف خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی، برقراری سوسیالیسم، لغو کار مزدی و الا آخر هستند (هر چند حزب کمونیست کارگری مدتها است که به دلخواه خود و به نظرم برای تطابق با سیاستهای پوپولیستیش شعار حکومت انسانی را به جای حکومت کارگری و کلا در تبلیغاتش سوسیالیسم را قلم گرفته است و به جای

آن شعار پوپولیستی و همه با هم "انسانی" را علی العموم جایگزین آن کرده است)، همه این احزاب تقریبا از برنامه و اساسنامه ای که به وسیله منصور حکمت نوشته شده است پیروی میکنند. در نتیجه فکرنمیکنم که به لحاظ شعارها و تئوریهای پایه ای، تفاوت زیادی مابین حزبی که قرار است تشکیل شود با این احزاب موجود باشد، بلکه آنچه این حزب را از بقیه احزاب جدا میکند، اساسا جسارت سیاسی، پراکتیک و عمل انقلابی و متکی بودن به خود، مماشات نکردن در عرصه سیاسی و تشکیلاتی است. برای یافتن تفاوت سیاسی این حزب با احزاب موجود باید در تند پیچهای سیاسی و اتفاقاتی که بطور خود بخودی و یا از طرف جناحهای مختلف سرمایه داری در جامعه شکل میگیرد، تمایزات را جست وجو کرد. آنجاست که تفاوت یک موضع کمونیستی و بدون مماشات را با این احزاب که در این اتفاقات معمولا راست میزنند را به وضوح میتوان و باید دید. علاوه بر این مشکل جدی این احزاب فاصله حرف و عمل آنهاست که در خیلی از موارد راست عمل میکنند. (در این رابطه میتوان به اتفاقات سال ۸۸، جریان توهین به بختیارها، اعتراض عرب زبانهای خوزستان، مسئله کنگره ملی کرد و دهها مورد دیگر اشاره کرد). متاسفانه در بیشتر این موارد موضع این احزاب در انتهای خط راست اتفاقات قرار میگیرند و مواضعشان با جناحی از حکومت و یا طبقه سرمایه دار همراهی میکند. علاوه بر این،

موضوعات و پروژه هایی که در دستور کار این احزاب قرار گرفته است با تئوری و برنامه های آنها فرسنگها فاصله دارد و در واقع کارگر و سازماندهی طبقه کارگر فرعی ترین و حاشیه ای ترین موقعیت را در پراکتیک و فعالیت روزانه آنها دارد. موضع گیری جریانات چپ از سر ندانم کاری و یا معرفتی نیست بلکه از سر، خواستگاه طبقاتی آنها میباشد که بطور واقعی همان ناسیونالیستهایی هستند که بعضی از خواستهای چپ و حقوق بشری را چاشنی جریانات میتوانند از هر نوع سازمانهای ملی گرا و یا حقوق بشری باشند ولی ابا نمیتوانند یک حزب مارکسیستی که امرش رهایی طبقه کارگر و به قدرت رساندن این طبقه است، باشند. خواستگاه این جریانات همان سیاست سوسیال دمکراسی غربی است. اهداف و خواسته هایی که این احزاب برای آن مبارزه میکنند خواسته هایی است که سالهای سال است که در کشورهای غربی جواب گرفته است. خواست برابری زن و مرد، نبودن زندانی سیاسی، دفاع از حقوق کودک، آزادی تشکل و بیان و رفع ستم ملی از طریق رفرا ندیم (خوانندگان این مصاحبه مطلع هستند که چند سال قبل در کبک کانادا، باسک در اسپانیا و اخیرا هم در اسکاتلند در بریتانیا رفرا ندوم شد و مردم رای به ماندن در چهارچوب این کشورها دادند). در نتیجه سرمایه داری از سالها قبل برای رفع موانع در گردش و کار کرد سرمایه به این خواستها تن داده

است. استدلالی که این احزاب بطور پوشیده دارند این است که خواست مردم اینها میباشد و تا این خواستها و یا مسئله ملی جواب نگیرد، نمیتوان به طرف جامعه سوسیالیستی رفت. در حالی که برای یک کمونیست و حزب کمونیست این مسئله کاملا وارونه است. خواستهای فوق و دست یابی به آن جزو بدیهی ترین خواستهایی است که هر جامعه مدرن و متعارفی باید از آن برخوردار باشد و لازم است برای آن مبارزه کرد، ولی نباید در این شک کرد که رسیدن به این خواستها در گرو شکل گیری یک قطب قدرتمند کمونیستی و کارگری در آن جامعه است.

در جوامع استبدادی همچون ایران با وجود طبقه کارگر متشکل و حزب میلیتانت آن میشود به این خواستها رسید نه با مبارزه پوپولیستی و همه با هم و یا بازی در میدان کشمکشهای جناحهای مختلف سرمایه داری، که متاسفانه این احزاب در این میدانها به بازی گرفته میشوند.

در این رابطه به کنگره های این احزاب، مصاحبه هایشان و فعالیت روزانه آنها مراجعه کنید تا اهدافی را که این جریانات برای آن مبارزه میکنند به روشنی ببینید. دهها کمپین و ان جی او و سازمان جانبی برای رسیدن به اهدافی که به آن اشاره شد از طرف این احزاب سازمان داده شده اند، در حالی که این جریانات برای بهبود موقعیت و شرایط کار و قدرت سازمان یابی کارگر و یا برای شکل دادن به قطب نیرومند کمونیستی و کارگری، متاسفانه کمترین تلاش و فعالیت را انجام میدهند.



در نتیجه اهدافی که این احزاب برای آن مبارزه میکنند، رسیدن به حل مسئله ملی یا خواستهای حقوق بشری و یا مخرج مشترکی از آنهاست. آخرین مورد از موضع گیریهای این احزاب در رابطه با موصل، حمله موشکی اخیر امریکا به سوریه و انتخابات در ایران را نگاه کنید و با موضع گیریهای شتر گاو پلنگیشان، آنها را در نهایت در کنار جناحی از سرمایه داری قرار میدهد. بی دلیل نیست که حزب کمونیست ایران در رابطه با انتخابات، ترجیح میدهد که با بابا شیخ از سازمان خه بات عکس بگیرد تا با کمونیستها، حزب کمونیست کارگری برای انتخابات آتی در ایران هنوز در آرزوی تکرار سال ۸۸ و کشتی نگرقتن با جناح اصلاح طلب است، هنوز دارد از حمله موشکی امریکا به سوریه دفاع میکند، و حزب حکمتیست هم در حال مخرج مشترک گرفتن در رابطه با موضع این احزاب است.

طبقه کارگر در ایران برای پایان دادن به این بلبشو و خلاص شدن از احزابی که به نیابتش اهدافی را دنبال میکنند که بی ربط به زندگی و سرنوشتشان میباشد لازم است که حزب خودش را که خواستهای کارگر و کل جامعه امرش است و بازی دست پوپولیسیم و جناحهای سرمایه داری نمیشود و هیچ تند پیچی او را از خواستگاه طبقاتیش دور نخواهد کرد، سازمان دهد.

به لحاظ عملی

این حزب اساسا لازم است که در داخل شکل بگیرد و

در کلیه فعل و انفعالات جامعه نقش تعیین کننده ای داشته باشد. حزبی که قرار است تشکیل شود لازم است که به لحاظ مادی بیشترین هزینه، به لحاظ پراکتیک روزانه بیشترین وقت را بگذارد. برای تبدیل این حزب به حزبی که بطور شبانه روز قابل دسترس باشد لازم است که در داخل بیشترین تلاش را بکند. لازم است سنتهای جسورانه مبارزاتی دهه های ۶۰ و ۷۰ را بار دیگر زنده کند. این حزب لازم است که در رابطه با زندگی روزانه طبقه کارگر و مبارزه اش در کنار آنها و حامی و پشتیبان آنها باشد. سنتهایی که سالهاست در میان رهبری این احزاب نقش و جایگاهی ندارد و سیاست و سیاست مداری به بخشی از تفنن و سرگرمی در حد رفتن به رستورانی و یا مسافرت کنار دریا تبدیل شده است. به همین دلیل ساده است که کارگر و انسانهایی که در داخل در حال مبارزه روزانه با نظام سرمایه داری هستند اعتماد خود را به این احزاب از دست داده اند. واقعیت این است که دخالت در امر سازماندهی و مبارزات مردم بخش خیلی کمی از وقت رهبری این احزاب را به خود اختصاص میدهد. معمولا در پایان زندگی روزانه یا هفتگی آنها اگر وقتی باقی بماند به این امر مهم اختصاص داده خواهد شد (شاید اهدافی که آنها برای آن مبارزه میکنند همین سطح از وقت را لازم دارد). در حالی که برای رهبری حزبی که میخواهد در بطن جامعه قرار بگیرد و بخشی از جامعه سرنوشت خود را به آن گره بزند، لازم است که بیشترین وقت خود را به این مهم و امر مبارزه اختصاص بدهد و کارهای روزانه اش در خدمت این امر باشد. ولی واقعیتش این است مدتهاست که رهبری

احزاب چپ تسلیم وضع موجود شده و منتظر است تقی به توقی بخورد و آنها هم موج سواری خود را بکنند. کار رهبری این احزاب در نوشتن مقاله، اطلاعیه، بیانیه و پخش اخبار شده است و در بهترین حالت گاه گذاری گذاشتن اکسیونهایی که کمترین تاثیر را دارند و گاه هم اطلاعیه مشترک دو و سه حزب خلاصه شده است. همه میدانند این نوع کارها ایدا کار ساز نیست و هر انسانی به تنهایی هم میتواند این نوع کارها را انجام دهد. حقیقت این است که افراد موثر در رهبری احزاب چپ نه علاقه، نه اشتیاق، نه توان و نه برنامه ای برای تغییر این وضع ندارند. خلاصه کنم رهبری حزبی که قرار است تشکیل شود لازم است که با شیوه کار رهبری این احزاب مرزبندی جدی داشته باشد و به لحاظ عملی باید بیشترین وقت خود را به امر مبارزه و سازمان دادن تشکیلات و مبارزه در داخل کشور اختصاص دهد و تلاش کند اعتماد از دست رفته را با تلاش و مبارزه صمیمانه مجددا بدست آورد.

رهبری و ساختار تشکیلاتی

ساختار تشکیلاتی و رهبری این حزب لازم است از احزاب کمونیست موجود کاملا متفاوت باشد. سازمان تشکیلاتی آن باید به لحاظ عملی جوابگوی نیاز واقعی مبارزه روزانه کارگران و انسانهای آزادیخواه باشد و به امر سازماندهی مبارزه طبقه کارگر جوابگو باشد. رهبری و ساختار تشکیلاتی آن لازم است به لحاظ مادی و معنوی به تقویت مبارزه و سازمان یابی طبقه کارگر کمک کند. بنابراین اگر این امر رهبری حزب باشد، لازم است که در ساختار رهبری و سازمانی خود با حساسیت برخورد کند و از سر کار گذاشتن نیروی انسانی

شدیدا پرهیز کند.

کسانی که به این حزب ملحق میشوند باید احساس کنند که بطور واقعی و به لحاظ پراکتیکی در تقویت و سازمان دادن مبارزه نقش مهمی دارند و بیشترین کار را با صرف کمترین انرژی جمعی به پیش میبرند.

اعضای این حزب باید نه تنها کاری که انجام میدهند مابه ازای کار خود را ببینند بلکه به انجام کارشان افتخار کنند. ساختار و رهبری احزاب موجود نه برای جوابگویی به امر مبارزه شکل پیدا نکرده اند بلکه بیشتر برای برای نگه داری نیرویشان و جلوگیری از ریزش صفوفشان است و در واقع بخش زیادی از آن شغل تراشی است. اگر این نباشد شما با چه استانداردی میتوانید توضیح دهید حزبی که ۶۰ یا ۷۰ نفر عضو دارد ۵۰ نفرش عضو کمیته مرکزی است، یا کنگره ایی که ۱۰۲ نماینده دارد و شاید در بیرون از کنگره هم ۵۰ عضو دیگر داشت باشد، ۶۱ نفرش عضو کمیته مرکزی آن میشود. تازه همین اعضای کمیته مرکزیشان عضو کمیته های دیگر حزبی هم هستند. از این تعداد کمیته مرکزی نصف بیشتر آنها عضو دفتر سیاسی و بعد نصف بیشتر کمیته رهبری و یا هیئت اجرایی میشوند. بعد هم رئیس دفتر سیاسی، دبیر کمیته مرکزی و دبیر اجرایی دارند. واقعا اگر شغل تراشی و جلوگیری از ریزش نیرو نیست پس چیست؟ آیا واقعا بودن این افراد در این سطح بالا برای سازماندهی مبارزه شکل گرفته است؟ بدیهی است که نه.



در هر حال رهبری این حزب لازم است جوابگوی مبارزه معینی در آن جامعه باشد و ارگانهای پائین تر از رهبری هم برای همین امر تشکیل شوند. این حزب لازم نیست پستهای تشکیلاتی عدیده ای مثل رئیس و دبیر و دبیرکل و لیدر و کمیته مرکزی، دفتر سیاسی و هیئت اجرایی باشد و لازم است این رویه را تغییر دهد.

این حزب هم چنان که در فراخوانش آمده است، حزبی است برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار نظام سیاسی متکی به شوراهای کارگری - توده ای و سوسیالیستی و لغو مالکیت خصوصی و بردگی مزدی در ایران مبارزه میکند. حزب نسل جوان از زن و مرد کارگر و انسانهای آزادیخواه است که امرش پایان دادن به تمامی ستمها و بی عدالتی در هر شکل آن در جامعه است. رهبری حزب لازم است که برای این امر انتخاب شود و باید در قبال پیشبرد آن مسئول و جوابگو باشد. رهبری که نتواند مسئولیتی را که به عهده گرفته است پیش ببرد لازم است فوراً استعفا دهد و یا وادار به استعفا شود.

این حزبی است که در رهبری آن در سطح بالا زنان و مردان نسل جوان در پستهای کلیدی هستند. این حزب ضمن اینکه بر مصوبات و تصمیمات جمعی و ارگانهای منتخبش متکی و حول آن متحد است و باید یک حزب کاملاً منضبط و مستحکم و جدی باشد، باید در کلیه سطوح

حزب آزادی بی قید و شرط بیان و نقد را تضمین و نهادینه کند و رهبری اجازه نخواهد داد و تضمین میکند که محفلیسم در این حزب جایی نداشته باشد. این حزب باید دارای فضای باز سیاسی برای فعالین باشد و از هر نوع انتقادی به سیستم و کارکرد حزب لازم است به گرمی استقبال کند و در هیچ سطحی اعضای حزب احساس ناامنی نکنند. متأسفانه فضای باز سیاسی و احساس امنیت، در احزاب کنونی غایب است و یکی از بانیان جدایی ها و انشعابات در این احزاب بوده است. محفلیسم در رهبری این احزاب نهادینه و به سیستمی تبدیل شده است که عبور از آن محال است. در این رابطه لازم است که در جای دیگری بطور مشخص و با فاکت بحث کرد (چند سال قبل در جریان اختلافاتی که بر سر شیوه رهبری در حزب حکمتیست بوجود آمد، جمعی از ما با اتکا به آرا پلنوم و دفتر سیاسی موفق شدیم که هیئت دائم سنتی دفتر سیاسی را عوض کنیم. روز بعد این جمع این تغییر را تحمل نکرد و با دادن اطلاعیه ای تحت عنوان "حزب حکمتیست تنها یک دفتر سیاسی دارد" تلاش کردند که به زشت ترین شکل که در چپ نمونه آن را تا آن تاریخ نداشتیم و به قول بعضیها میخواستند که در حزب کودتا کنند چون موفق نشدند از حزب بیرون رفتند، و میبینیم به چه سرنوشتی گرفتار شده اند). به کارکرد دبیران این احزاب از کمیته مرکزی، دفتر سیاسی، هیئت اجرایی و ارگانهای پائینشان و بقیه رهبری این احزاب دقت کنید، علیرغم ناکارایی آنها و عدم موفقیتشان در پیشبرد سیاستهایی که به آن متعهد بوده اند ولی هر دوره دوباره در همان موقعیت تشکیلاتی قرار میگیرند نه

برای یک سال، دو سال، ۵ سال بلکه سه دهه و چهار دهه، در این رابطه اگر رفیقی از رهبری آنها و این سیستم انتقاد کند فوراً بایکوت و منزویش می کنند و در نهایت فرارایش میدهند. این را فقط با سیستم محفلی نهادینه شده در این احزاب و فرهنگ غالب دیکتاتوری در شرق میتوان توضیح داد. این حزب لازم است که با مصوبات شفاف، و با برخورد قاطع با این سیستم در حزب مبارزه کند.

سوسیالیسم امروز: در حزب شما نیروی مسلح و مبارزه مسلحانه چه جایگاهی دارد؟

رحمت فاتحی: این حزب قرار است که در محل کار و زندگی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه شکل بگیرد به طبع آن این حزب سازماندهی طبقه کارگر در ارگانها و سازمانهای صنفی و سیاسی خود و پیشبرد مبارزه طبقه کارگر علیه نظام و سیستم سرمایه داری را در اولویت قرار میدهد.

همه میدانیم که طبقه سرمایه دار و حکومتش با داشتن ارتش، سپاه، پلیس و دهها ارگان سرکوبگر برای حفاظت از سرمایه و منفعت طبقاتیشان تا بن دندان مسلح هستند و هر نوع اعتراضی را به خاک و خون میکشند. در نتیجه طبقه کارگر و حزیش برای رسیدن به قدرت سیاسی و در هم شکستن ارگانهای سرکوبگر نظام سرمایه داری ناچار به قهر انقلابی است و آن هم بدون

دست بردن به اسلحه امکان پذیر نیست.

ولی تا رسیدن به آن شرایط امر این حزب و در حال حاضر سازماندهی طبقه کارگر در راس کار و فعالیت تشکیلات خواهد بود. در مورد کردستان مسئله پیچیده تر است. مقاومت مسلحانه همین امروز به سنتی جا افتاده تبدیل شده و سابقه ای تاریخی دارد. به غیر از حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی، احزاب موجود در کردستان هم مسلح هستند، تحولاتی جدی در منطقه روی داده و جامعه آستان وقایع جدیدی است، با توجه به شرایط موجود نمیتوان از نقش اسلحه در تحولات آتی غافل ماند، جنگ مسلحانه و قیام مسلحانه همین امروز از نظر جامعه قابل دفاع است. این حزب اگر بخواهد به نیروی جدی و مورد اعتماد کارگر و زحمتکش در جامعه تبدیل شود از همین امروز لازم است که اسلحه در سیاستش نقش تعیین کننده داشته باشد و در صورت نیاز

پیش به سوی ایجاد حزب سیاسی ملیتانت و انقلابی در ایران

پیش به سوی تشکیل کنفرانس موسس حزب



گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!

روز جهانی کارگر روز تلاش برای شکل دادن به مبرمیت ایجاد احزاب و افق نوین کمونیستی

در روز جهانی کارگر، کمونیستها و کارگران به همراه مردم آزادیخواه و برابری طلب متحدانه به میدان میایند تا اعلام کنند پیش شرط دستیابی به آزادی، رفاه، برابری، سعادت و خوشبختی انسان و پایان دادن به تروریسم، جنگهای ویرانگر و کشتار جنایتکارانه مردم، بردگی مزدی تنها در گرو پایان دادن به نظام حاکم سرمایه داری و ارکان ایدئولوژیکی، فرهنگی، اخلاقی و خرافی آن است.

در روز جهانی کارگر با صدای رسا اعلام می کنیم برای تحقق این اهداف والای انسانی، کل طبقه کارگر و صف آزادیخواهان باید متحدانه به میدان بیایند و در حزب کمونیستی و کارگری خود متشکل شوند و پرچم کمونیستی مارکس را بیش از پیش بر افراشته تر نگاهدارند.

برخورداری از امنیت، رفاه، آزادی و دستاوردهای علمی و تکنولوژیک حق مسلم هر انسانی است و برای دستیابی به آن لازم است با سازماندهی انقلاب سوسیالیستی نظام سرمایه داری حاکم را بزیر کشید.

لازمه دستیابی به اهداف فوق، تشکیل حزب سیاسی-کمونیستی و انقلابی طبقه کارگر است.

همه کارگران و آزادیخواهان را به این تلاش مبرم طبقاتی و پیوستن به پروسه تشکیل این حزب فرا میخوانیم.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

هیئت هماهنگ کننده برگزاری کنفرانس موسس حزب سیاسی-کمونیستی ایران

۱۵ فروردین ۱۳۹۶

Iransocialist2017@gmail.com

00447740076631

تماس: 0046762349683

موازین انتشار نشریه سوسیالیسم امروز:

سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!

مقالاتی در این نشریه منتشر میشود که تنها برای این نشریه فرستاده شود.

مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.

حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ 4 با فونت 12 میباشد.

مقالات خود را به آدرس ایمیل زیر بفرستید:

rz.danesh@gmail.com

برای تماس با هیئت هماهنگ کننده تدارک کنفرانس موسس حزب با

آدرس ایمیل و شماره تلفنهای زیر تماس بگیرید:

Iransociaist2017@gmail.com

00447740076631

0046762349683

اطلاعیه!

جلسه سخنرانی

شورا دفاع از جنبش کارگری در ایران - گوتنبرگ سوئد، برگزار میکنند.

جلسه سخنرانی و تبادل نظر حول مسائل و مطالبات کارگری در ایران با شرکت رفقا بهرام رحمانی، سلام ریچی و رفیقی از شورا دفاع در سالن اجتماعات "هگا بیو" واقع در لینه گاتان برگزار میشود.

زمان: ساعت ۱۴ بعد از ظهر

تاریخ: شنبه ۱۵ آوریل ۲۰۱۷

با شرکت خودتان این جلسه را پر بارتر کنید.

شورا دفاع از جنبش کارگری در ایران - گوتنبرگ سوئد

زنده باد اول ماه مه روز جهانی طبقه کارگر!